

بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان ① در صفحه ۴

پیش نویس *ایران* شرفروز

Iranische Bibliothek in Hannover

قسمت دوم

قانون ازنجایی کار آئینه تمام نمای رژیم (استخدام)

در کار شماره ۶۰ در نوس گلی پیش نویس قانون ارتجاعی کارگران در زیر پای قراردادیم. در آنجا گفتیم که رژیم برای مقابله با بحران حاد اقتصادی - اجتماعی، از یکسوی سیاستهای قرون وسطایی به سرکوب ابتدائی ترسین حقوق بشری پرداخته و از سوی دیگر،

با سیاست جلب سرمایه داران به سرمایه گذاری و راه اندازی موسسات تولیدی به هر شیوه ای متوسل میشود. ارائه پیش نویس قانون کار نیز در زمره همین شیوه ها است. تلاشی اسلامی در جهت افزایش هر چه بیشتر استثمار کارگران و

سیر تحولات مبارزات کارگری

گزارشات واصله از کارخانه ها و محله ها نشانگر اینست که منحنی جنبش مبارزاتی کارگران و توده ها در حال صعود است. توهم فروریخته و اوامه عت از سرکوب و خشونت رژیم در حال از بین رفتن است. شعله های خشم کارگران در هر کارخانه زبانه میکشد. کارگرانی، بدو از چشم جاسوسان و ارگانهای حکومت، مشغیل جمع آوری کمک مالی برای رفیقان دستگیر شد ووا خراجی هستند. در کارخانه های دیگر، کارگران جاسوسان و مستولین دستگیری و اخراج رفقایشان را تنبیه میکنند. در جایی دیگر، مدبرعامل را کروگان گرفته و برای حفاظت از اوگارد سر تشکیل میدهند. در کارخانه های

جلسات مخفی کارگری تشکیل شده و در باره موقعیت فعلی، چشم انداز آتی و تاکتیکها به بحث و تبادل نظر میپردازند. کارگران در تدارک برپایی اعتصاب عمومی



یادداشتهای سیاسی...

در صفحه ۱۸

توده ها برمی خیزند

رژیم از پای می افتد

ناقوس مرگ رژیم نواخته میشود. ورشکستگی اقتصادی - سیاسی جمهوری اسلامی از حد متعارفی که بشود بران سرپوش گذاشت و انرا نادیده گرفت، در گذشته است. در نهای شبیت رژیم، هر روزه بیشتر در پیش چشمان حکام تیر و تار میشود. در همه مرصه ها، حکومت مرگ محتوم تاریخی خود را تجربه میکند. بحران اقتصادی به تمامی زوایای اقتصاد جامعه سرایت کرده و شدت می یابد، رژیم، اما، با سیاستهای عقب مانده خود، نه تنها نتوانسته از شدت بحران بکاهد، بلکه خود آتش بحران را، در همه بیشتر امن میزند. بیگاری، گرانی، رکود، ورشکستگی، شرح و شرح و از هم گسیختگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است. تروریسم رسمی و غیررسمی سرکوب اختناق، بازداشت و اعدام، هتک حرمت نسبت به ابتدائی ترین حقوق بشری و کلا اضمحلال سیاسی - فرهنگی هر آنچه بنام تمدن وجود دارد، قانون اساسی جمهوری اسلامی کشته است.

در این شماره

جنبش مقاومت

خلق کود در صفحه ۱۸

خطاب به مبلغین

در صفحه ۱۳

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایچسار کنیم

نود و هفتادها . . .
بقیه از صفحه ۱

اما اکنون ، توده های ملیونی که تحت طلسم اسلام به حکومت مذهبی تن داده بودند ، بر اساس آنچه که این حکومت برایشان بهارمغان آورده است ، نه تنها از حکومت جداگشته اند ، که مستیزه جویانه در مقابل آن قرار دارند .

مکتب خمینی بی حیثیت گشته ، رژیم از پایگاه توده های خود جدا شده و بن بست قدرت ، امید به تثبیت را بر سر باد میدهد . تثبیت ، اینست آن گره گاه اصلی جمهوری اسلامی که کشاکش بین جناح های مختلف حکومتی را از منشور خود میبرد راند و به بن بست میکشاند .

با این گره گورچه باید کرد ؟

فرمان ۸ ماهی امید بخش و تاریخ ساز خمینی ، جوابی است از سوی رهبر در رابطه با بن بست حکومتی . در شرایطی که فلاکت اقتصادی و ورشکستگی و بی اعتباری سیاسی ، شمارش معکوس برای سرنگونی رژیم را سرعت بخشیده است ، رهبر نمیتوانست ساکت ، همچنان نظاره گر باقی بماند .

بسیان میدانند که کشیدند تا با پیام خود بلکه روح تازه ای در کالبد این نیمه جان رو به موت بدمند . اما فصل معجزه ها در یکسر سبزی شده است . رهبر خود ، بخشی از این گره گور است .

فرمان ۸ ماهی ، بر زمین بحر ان اقتصاد ی - سیاسی و در جهت تثبیت رژیم صادر شد و منطق بر استسای سیاستهاش است که دولت در جهت تعدیل بحران در پیش گرفته است .

قبل از این نیز بارها ، توصیه ها و سفارشات از سوی رهبر در موارد مختلف و بویژه رفع اختلافات درونی هیئات حاکمه صورت میگرفت . اما نتیجه را همچنان قدرت جناحها تعیین میکردند و نه توصیه ها و سفارشات امام .

اینها جز این خواهد بود ؟ زمینه ای که فرمان خمینی بر مبنای آن استوار است نشان میدهد که این فرمان نه یک "قریاب" بلکه ناله ایست از مریاس و در ماندگویی .

فرمان برای مقابله با سه مشکل اساسی بهم پیوسته صادر شد .

اول ، مقابله با بحران اقتصادی و ورشکستگی اقتصادی ، از طریق کنترل و یاسرکوب ارگانها و نهاد هائی که در امر گردش سرمایه ، خلال ایجاد میکنند ، و بدین طریق ایجاد فضای امن و مطمئن برای سرمایه داران .

دوم ، مقابله با نارضایتی و حرکتهای اعتراضی رو به رشد توده ها که در اشهر سیاستهای فروزن وسطائی و سلسب

آزاد بهای فردی و اجتماعی تاب و توان را غیر ممکن ساخته و کخطه قصبان را نزد یک ساخته است . وسوم ، مقابله با اختلافات بین جناحهای حکومتی که نه تنها کاکاش نیافته ، بلکه با تشدید فلاکت اقتصادی و چشم انداز "قصبان" توده ها ، بهر آضه آنها هم افزود شده است .

رژیم برای تعدیل بحران ، تاکنون همه شرکده های خود را بکار بسته است . اما نتیجه همان است که بود ، یعنی تشدید بحران . حال فرمان خمینی نیز در حقیقت در جهت تثبیت و تقویت آن شرکده هائی است که ناکام ماند است . یک تلاش دیگر برای بارور کردن این سترون . حکومت ، بارها ، از سرمایه داران دعوت کرد که بیایند و در فضای امن جمهوری اسلامی سرمایه گذاری کنند ، به آنها تضمین داد . برای جلب آنان لایحه حد و دوشبوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی را گذراند که استعمار با هر گونه که خود صلاح میدانند برای کسب سود بیشتر بکار بندند . همه قوانین دست و پاگیر را چون بیهوده ، باز نشستی استخدام رسمی و . . . بکناری گذارد . سرمایه گذاری را عباتی خواند که هم در این دنیا سود آور است و هم در آخرت خانه صاحبش را در بهشت مهیا میسازد . اما چار ساز نبود .

قانون ارتجاعی کار راند و بین کرد که بر طبق آن کارگران را بصورت اجیری در اختیار سرمایه داران قرار میدهند تا هر طور که مایلند با آنها رفتار کنند . قانونی که درد نهائی کنونی ، از لحاظ عقب ماندگویی و ارتجاعی بودن ، در هیچ کشوری از جهان سابقه ندارد . اما این نیز چار ساز نیست . شاه سرمایه فوق العاده قوی است ، نا امنی را بسو میکشد و خود را به خطر نمی اندازد . سرمایه های سرگردان همچنان در امر واسطه گویی و دلاکی جولان میکنند زیرا این زمینها ایست که حکومت خود خلق کرده است .

رژیم برای نزدیکی با شیاطین و خروج از بن بست اقتصادی و بیاتنهائی را روانه کشورهای مختلف جهان نمود ، و دست استمداد بسوی آنها دراز کرد . قیاتنهائی به آلمان ، ایتالیا ، پاکستان ، ترکیه و . . . روانه شدند . و وظیفه آنها این بود که به قدرتهای امریالیستی و کشورهای اسلامی اطمینان دهند که ایران از یک قدرت باشکوه برخوردار است و تضمین دهنده که رابطه با ایران به نفع هر دو طرف است . و لا یتیر در دیند اربا هیئات الهزای از زاین گفت : سرزمین ماداری منابع انرژی است که مورد نیاز زاین میباشد و زاین نیز از امکانات وسیع

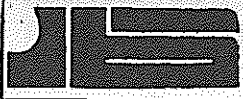
اقتصادی و تکنولوژی برخوردار است و همین ساله میتواند یکی از پایه های اساسی روابط و کشورهاست .

(اطلاعات ، ۱۱/۸/۶۱) . اما اینگونه سخنان در دل سنگ زاین اثری نمیکند و همچنان به کار شکنی خود ادامه میدهند . قیلا غرضی وزیر نفت گفته بود : با تمام کار شکنی های شرکت ، میتسوئی . . . اخلاق اسلامی اینطور ایجاب مینماید که وقتی دست شراکت داد ما هم ، دنبال شریک دیگری نرویم .

(اطلاعات ۲۸/۱۰/۶۰) . این نمونه ایست از خروار ، در تمام دوران مبارزات مشعشع ضد امریالیستی رژیم ، این قدرتهای امریالیستی بودند که خرید نفت را تحریم کردند ، که محصرها اقتصاد ی برقرار کردند . . . در نهایت رژیم مجبور میشد با بسته واسطه های بین المللی رجوع کرده و با حداقل ۳٪ اضافه بر قیمت با آنها طرف معامله شود و با آنها کشورها اسلامی قرار داد بپندد که همان کالا های امریالیستی را با قیمتی بالاتر از آنها دریافت دارد و با مستقیما با خود قدرتهای امریالیستی وارد معامله شود ، اما با تعدیاتی بصیار سنگین . غرضی در رابطه با شرکت پتروشیمی ایران و زاین گفت : ما زینس به آنها احترام گذاشتیم ، خسته شد هایم . با اینحال ما به قرار داد های بندیم و پیشنهادات زیاد ی برای اتمام آن داد ما هم ، ولی جوابی دریافت نکرد ما هم . (همان) . بدینترتیب قدرتهای امریالیستی نیز با وجود تمام القاس و عاتی " که رژیم دارد ، بعلمت فضای نا امن سرمایه و عدم ثبات رژیم ، بار از محمد و د های پیش تر نمیکند آرند . اکنون رژیم قرار داد های متعددی با قدرتهای امریالیستی منعقد کرده است . اما همه این قرار داد ها اولاً شرایط سنگینی نسبت به طرف ایرانی قرار داد ، از جانب قدرتهای امریالیستی مورد توافق قرار گرفته و ثانیاً ، قرار داد ها بصورتی است که منافع فوری امریالیستهارا تامین میکند . به این معنا که بعلمت عدم ثبات رژیم ، آنها حاضر به انعقاد قرار داد هائیس هستند که هر گشت سرمایه صریح باشد . و از این بابت هیچ نگرانی بخود راه نمیدهند که مباد رژیم بصمت دیگری حرکت کند . بعنوان مثال ، معاون وزارت امور خارجه آمریکا (مشاور در امور ایران) در پاسخ این سئوال که احتمال نزدیکی رژیم جمهوری اسلامی بشوروی و سوسیالیستها به چه میزان است ، گفت : " نگران نباشد ! ما از نزدیک مراقب اوضاع هستیم ! رژیم جمهوری اسلامی اتفاقا خیلی هم ضد کمونیست است .

بقیه در صفحه ۱۱

مبارزه ضد امریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



قانون

بقیه از صفحه ۱

نتیجتاً جلب سرمایه داران برای بهره برداری از سود های بسیار بالا بی شک هر رژیم سرمایه داری راه و روشی برای استثمار کارگران دارد و جمهوری اسلامی نیز بی شک و سباق خاص خود را در این امر در نظر گرفته است و بی شک هر رژیم سرمایه داری در صورتی که از صفات سرمایه داران است. پیش نویس قانون کار آئینه تمام نمایی است که این صفات را منعکس کرده و هر چه از چهره گرفته رژیم بر می کشد.

این پیش نویس را هر چند که آرایش بد رنگ و کجیف آن تاثری نخواهد داشت و مضمون ارتجاعی آن خود را از برای هر آرایشی به نمایش میگذارد. آرایش عجوزگان خود را استانی است. این چنین است متن پیش نویس قانون کار که در گهی آن ۳۰ ماده هم بجای رسیده. زعمای قوم برای اینکه صالیه را لووت کنند و بخیال خود از حدت مقابلیه های اعتراضی کارگران بکاهند، با تغییر لغات - توجه شود فقط لغات همان پیش نویس را در معرض تماشا گذاشتند؛ لغت کاربند بر جای جای "اجیر" نشانند و قرارداد کار را به جای "اجاره" مضمون، اما همانسی است که بود؛ و نمیتوانست غیر از این باشد. چرا که پیش نویس قانون کار اسلامی بر اساس احکام الهی تنظیم و تدوین شد و باز بقول توکل "نه فقط نظر برای کارگران (یعنی اجیران جمهوری اسلامی) بلکه برای من و وزیر و پاره پاره بشیر در پرتو خیل نبود و نیست. استدلال محکم است و شرعی و جای هیچگونه شکایتی در مورد مضمون پیش نویس باقی نمیکند!

بنابر این ما نیز بر اساس همان مضمون الهی مستتر در پیش نویس قانون کار که در "کار" شماره ۱۶۰ از ثور لکن آن را مورد بررسی قرار دادیم، سه راه اصلاح در بنیاد سیاستهای کارگری رژیم (با بعبارت صحیح تر سیاستهای ضد کارگری رژیم) مهیا کردیم و هر جا که از نظر لفظی لازم بود اصلاحات متن پیش نویس منتشر شد را نیز قید میکنیم که آرایش آن را هم حفظ کرده باشیم. در این مقاله، نحوه استخدام و چگونگی آن از نقطه نظر پیش نویس قانون کار که مبتنی بر اسلام فقهی است، مورد

بررسی قرار میگیرد، و مسائل دیگر پیش نویس در مقاله های بعدی ارزیابی خواهد شد.

جمهوری اسلامی مفاهیم خاص خود را در باره و از استعمال مفاهیم معمول اجتماعی بهر از و فراری است. مثلاً در تمام مواد پیش نویس، با تاکیستی خاص، از بکارگیری کلمه "کارگر" اجتناب شده است. البته این اجتناب از بکارگیری کلمه "کارگر" هم نیست، چه این کلمه یک بساط اجتماعی دارد، حقوقی را متبادر به ذهن میکند و ساززات و رسالتی را در عرصه اجتماعی بیان میکند. آری، فقط همین یک کلمه، اما جمهوری اسلامی از این بار اجتماعی نگران است. رژیم از کارگران میترسد و و این ترس را در عدم استعمال این کلمه نشان میدهد. از این رو مفاهیم خاص خود را بجای آن می نشاند و استخدام کارگران را چنین شرح میدهد: در اجاره اشیا و حیوان اجاره دهنده را موجر و اجاره کننده را مستاجر گویند و در اجاره اشخاص، کسی که منافع خود را اجاره میدهد "اجیر" و کسی که اجاره

میکند مستاجر مینامند (پیش نویس صفحه ۳). در پیش نویس از پیش شده و عین همین مضمون بکار گرفته شده است، منتهی با تغییر لغات؛ مثلاً "کاربند" بجای "اجیر" و "قرارداد کار" بجای "اجاره" و "صاحب کار" بجای "مستاجر". توکلی در باره مواد این پیش نویس میگوید: "نگاتی که ارائه شده مبتنی بر نظرات امام و فتاوی فقهای مشهور است (گهی آن ۱/۱۰/۱۶۱). این گفته توکلی کاملاً درست است و جهت رکنه رساله ها سالها جار بهمان نحو اول مطرح شد و پیش نویس منتشره نیز نمیتوانست مضمونی جدا از آن داشته باشد. مثلاً در تبصره المتعلقین، علامه حلی میخوانیم که "هرگاه اجاره اعیان باشد اعسم از حیوان و غیر آن نتیجه اجاره تطبیق است" ضایع آن عین است به مستاجر، اصلاً اگر متعلق اجاره انسانی باشد مثل اینکه شخص خود را اجاره میدهد برای انجام عملی، در این موارد نتیجه اجاره تطبیق عمل است."

آنچه که در اینجا مطرح است، همانا منفعت بی قید و شرط و مطلق "مستاجر" (صاحب کار) است. همه موازین برای سلطه بی قید و شرط کارفرما بر کارگر وضع شده است. و برای این منطوری هیچ مساله ای نباید سد راه

استثمار خشن "مستاجر" از "اجیر" شود. اگر اختلافی بروز کرد، حق با جانب کارفرماست، چرا که کارگر از اعداد انسانی نیست و آنچه که ملاک است منفعت "مستاجر" است. اگر اختلاف کنند که عامل کاری انجام داد و بیاندازه، قول مالک مفید است.

از آنجا که ملاک منفعت است، پس حتی "اجیر" در عقد اجاره هم آزاد نیست و به قهر میتواند شخصی را اجیر کرد، در صورتیکه منفعتی از آن حاصل آید. هر شخص میتواند خود را اجیر غیر قرار دهد. بنا بر این اگر کسی قهرآورد بگری استفاده ام کرد و بیا به نحوی از آنجا، موجبات تقویت منافع او را فراهم سازد ضامن است (پیش نویس صفحه ۲۰). و اما در اینجا منافع "اجیر" چیست؟ همان اجرت. پس میتوان هر کس را قهرآورد "اجیر" کرد و اجرت او را هم برداخت. شبان در مورد کله تصمیم میگیرد.

اما برای اینکه "اجیر" بهره دهنده خوبی داشته باشد، کافی نیست که فقط آزاد او سلب شود، بایست همچنین او را در اعداد حیوان و اشیا شش بشمار آورد، که "مستاجر" یعنی "طبیعتاً انسانها" بتواند کاملاً او را همچون برد و متصاحب کند. بر تملیق بکار گرفته شده هم در قید قرار دادن اشیا، "حیوان" و "اجیر" کاملاً نیت را در اد میگذارد، اما برای محکم کاری و برای اینکه این طبقه غیر انسانی یعنی "اجیران" بدون هیچ شبهه و سئوالی جایگاه خود را در جمهوری اسلامی تشخیص داد و مال عای ناحق ننگند، در صفحه ۲۲ پیش نویس به نقل از تحریر الوسیله خمینی آمده است که "اگر بار برایش بلفزد و محموله ها بشکنند ضامن است ولی چنانچه چهار پایا (ماشین باربری) که برای نقل محموله که آید شده بلفزد و خسارتی بر محموله وارد آید ضامن نیست و اینجا است که در پروصهیت بار بر غیر چهار پا در جمهوری اسلامی از بار بر چهار پا و خیم ترمیشود."

جمهوری اسلامی برای کارگر و زندگی او هیچ ارزشی قائل نیست، حیات کارگران حیوان هم کمتر حساب می آید. اسلام فقهی برای بهره کشی از کارگران تا دم مرگ هم فتاوی خاص خود را دارد، نقطه مشترک این فتاوی عبارتست از استثمار و حشیانه بقیه در صفحه ۱

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلفای ایران

نورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۵

این دوره از مبارزات توده‌ها مانند نواری است که بدون اینکسب عقب یا جلو بروی در پی تکرار میشود .

از چهار سال ۶۱ روند مبارزاتسی توده‌ها مجدداً وارد سیر صعودی خود میشود . اعتصاب شکوهمند کارگران زوب آهن آغازگر این روند روبه گسترش است که با تحصن زحمتکشان شهرک محمدیه در جاده ساوه ، غلبان مبارزات توده‌ها در عین اختناق و سانسور پرژواک عمومی میباشد (این حرکت در روزنامه‌ها که با چاپ رسید) بطوریکه در ۶ ماه اول سال ۶۱ از ۲۷ مورد حرکات جمعی مبارزاتسی کارگری گزارش شده ۱۴ مورد یعنی بیش از ۵۰٪ دارای ترکیب اقتصادی سیاسی است و از ۱۳ مورد حرکات توده‌ای و مورد در همین مقطع ۵۰٪ اشکال مبارزاتسی گزارش شده یعنی از ۲۷ مورد ۱۳ مورد اعتصاب بود است حال آنکه این نسبت در شش ماهه دوم سال ۶۰ ۳۲٪ بود . در مجموع مبارزات کارگران و زحمتکشان در شش ماهه اول سال ۶۱ بصورتی خود انگیختار تقامی باید . در این مقطع ۴ شخصه بسیار مهم دیده میشود :

۱- اشکال مبارزاتی مستقل انقلابی مانند اعتصاب ، تحصن ، تحریم و کم کاری برای اشکال رفرفر میستی مانند مراجعه مقامات ، نامه نوشتن ، طومار و . . . غلبه میکند بطوریکه اشکال قانونی مبارزه (در بخش کارگری) در شش ماهه دوم سال ۶۰ به نسبت شش ماهه اول سال ۶۱ بیشتر بوده است

۲- در خالت نیروهای مسلح رژیم در محل و فصل و اختلافات کارگران و کارفرما و زحمتکشان و ارگانها و نهاد های رژیم نزد یک همسه برابر افزایش داشته است (توجه شود که صرفاً جدول مبارزاتسی زحمتکشان مبنای آمارگیری نبود بلکه گزارشات توده‌های مورد نظر بوده است)

۳- عقب ماندترین اقشار خلق بقیه در صفحه ۷

تاریخ	نام کارخانه	خواسته‌ها	تعداد	شکل حرکت	شکل سرکوب	نتیجه
مورد	مسرح مدرسه	طلو کبری را حراج سنگ کار	۲۰	اعضا طومار	---	سامون
مورد	بوی زا کنه ای راه آهن	پرداخت حق ما که کارکنان بیشتر	اکترا	تحریبها ماهه کاری	---	مورد
مورد	در به کسیر	با شرا و برهنه گره	---	تحریب عریضه	---	مورد
مورد	کاهن حق و سنگار	کاهن حق و سنگار	---	کجا حق و سنگار	---	سامون
مورد	مسرح مدرسه	مهمه ما شس	سام	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	در نیا کسیر	حق حسن کار ، کاهن خدمت و ما غاب کار	اکترا	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	خانه سازی شهر	پرداخت حق و حقوق	اکترا	جمع تحصن	---	سامون
مورد	استاد زوری	عدم کار حق و حقوق	۳۰۰	اعتصاب پرورد	---	سامون
مورد	سخت با بر موسار	طلو کبری را حراج	۷۰۰	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	مسرح مدرسه	پرداخت حق و حقوق	۲۵۰	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	لید ترا کاری	طلو کبری را حراج وقت معاضه	اکترا	جمع تحصن	---	مورد
مورد	ایران گاو	سها رنگ سرور	اکترا	مواضعه معاضه	---	سامون
مورد	سارمان حای	عدم کار حق و حقوق	۲۵	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	کارکا و سرکار	سهمه اما به حقوق حذف اما به کار	۵۰	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	مهمه مدرسه	اعراض سنگانه	---	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	بهرین	اعراض سنگانه	۲۰۰۰	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	پارس شمال	طلو کبری را حراج مدرسه و سنگار	۲۰۰	سهمه طومار	---	سامون
مورد	کارخانه مینا	عدم طبع مریا	اکترا	تحریبها ماهه کاری	---	مورد
مورد	خانه سازی هوار	طلو کبری را حراج	سام	سهمه سنگانه	---	مورد
مورد	دوب آهن امین	طلو کبری را حراج سنگار	---	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	استاد زوری	سهمه سنگار	---	اعتصاب سنگانه	---	سامون
مورد	روین با سرکار	پرداخت حق و حقوق	اکترا	جمع تحصن	---	مورد
مورد	احاطی گاسا	پرداخت حق و حقوق	اکترا	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	کفس و سس	پرداخت حق و حقوق	اکترا	اعتصاب سنگانه	---	مورد

جدول مبارزات زحمتکشان بهرورد - مهرماه ۶۰ تا اسی بهرورد ۱۳۶۱ - نمونه

تاریخ	محل	خواسته‌ها	تعداد	شکل حرکت	شکل سرکوب	نتیجه
مهرماه ۶۰	مدرسه کوهرد کسیر	تحریبها سنگار اول سنگار	۵۰	جمع تحصن	اعتصاب سنگانه	---
مورد	حوت بهرورد	پرداخت حق و حقوق	---	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	استاد زوری	درماند سرور	۵۰	جمع تحصن	---	سامون
مورد	دفعات شمال	ادوات سرور دولتی سرور	اکترا	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	ساعت آباد	طلو کبری را حراج	اکترا	جمع تحصن	---	مورد
مورد	عدا کوه	کوه سنگار	اکترا	اعتصاب سنگانه	---	مورد
مورد	مدف حوت	درماند سرور	۷۰	جمع تحصن	---	مورد
مورد	مسی بنداران	کسیر و سرور	---	اعتصاب سنگانه	---	سامون

رژیم جمهوری اسلامی را باید یا یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



بررسی اشکال . . . بقیه از صفحه ۶

در این مقطع بعد ریح وارد میدان میشوند که این امر بصورت شکاف ماهین حزب الهی ها، افزایش تعداد شرکت کنندگان در حرکات جمعی و شرکت حزب الهی های سابق در این حرکات پروژمی باید در گزارش از یک کارخانه مدعاست: مراسم ۲ تیر در بین کارگران بازتاب چند انجمنی داشت، کارگران در مراسم شرکت نکردند حتی حزب الهی ها هم اکثر این روز سرکار حاضر نشدند. کارگرانی که تا در پروژا حاکمیت تصرف میکردند امروز میشوند این اسلامی که میخواستم نیست از گزارش از یک مוסسه ولتی: بسیاری از کارمندان حزب الهی عقب نشسته اند و سعی دارند اعمال گذشته خود را به نحوی توجیه کنند از یک از بخش های کارمندی را آهن گزارش می داریم که مخالفت با رژیم حتی به انجمن اسلامی هم رسیده به طوریکه برخی از انجمنی ها که خود از بنیان انجمن اسلامی بودند حالا بکسر رانتم میکنند و میخواهند از خود رفته مسئولیت نمانند در جنرال الکتریک گفت تعطیلی پنجشنبه ها باعث درگیری بین سپاه و انجمن اسلامی میشود و . . .

۴- اما مهمترین مشخصه این منقطع رشد اشکال فبرامیز مبارزه باشد. تاکتیکهای فبرامیز به دو صورت جمعی و فردی اینچنین و آنچنین پروژمی باید حاشیه نشینان به ما شین های سپاه بوزاند امری حمله کرده فرماندهان سپاه را مضروب میکنند و در مواردی کارگران حزب الهی بدست خود کارگران ترور میشوند. کتک زدن

و تنبیه حزب الهی ها و عاملین وابسته رژیم بلاخص در کارخانجات مکررا دیده میشود. این اشکال اگر چه هنوز محدود و پراکنده هستند اما در مجموع ویژگی خاصی به شش ماهه اول سال از میبخشند با در جمع بندی اشکال مبارزات به این مسئله مفصلا خواهیم پرداخت.

اینکه سیر صعودی مبارزات توده ها چگونه ادامه می یابد و تاثیر سیاستهای اخیر رژیم بر آن چیست امری است که به تحلیل و بررسی جامع و ضمنی است احتیاجی سیاسی حاکم بر توده ها و رژیم همیشگی داشته و صد درصد قابل پیش بینی نیست و صرفاً مبتنی بر باسک

تاریخ	نام سازمان	خواستها	تعداد	شکل حرکت	شکل سرریز	نتیجه
۱۳۶۱/۱۰/۱۰	کمیته کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۰/۱۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۲۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۰/۲۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۰/۲۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۰/۳۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۰۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۱۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۱۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۲۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۲۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۱/۳۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۰۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۱۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۱۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۲۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۲۵	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق
۱۳۶۱/۱۲/۳۰	انجمن کارگران	حداکثر حقوق	۱۰۰	مجلس کارگران	فرماندها و رؤسای کارگران	موفق

تجزیه و تحلیل نسبتاً دقیق کلی ترین مشخصه های حرکت آتی مبارزات توده های ایران

مقاومت متحد میگردد - اتحاد . . . اتحادها، که در ابتدا مجزایند و بعد خود را بصورت گروهها در می آورند . . . و در برابر سرمایه همیشه متحد، ایقایی سازمان برای آنها [یعنی کارگران] ضروری تر از ایقایی مزد میگردد (به نقل از بنیون بارساله کارل مارکس) مبارزات پیگیر کارگران و حشوق انقلاب و حق داشتن تشکیلات مختص بخود را، بگری نشان میدهد. کاردهای سندیکائی که در شرایط غیرقانونی در انجمنهای مخفی تربیت

پیوسته حولات . . .

شد بودند، علناً بر از وجود نمودند و بعد به تدریج تشکیلات علنی کارگران گسترش، پس سابقه ای یافت، بورژوازی پس از این و بارها به این تشکیلات حمله کرد و آنها را غیرقانونی اعلام کرد. لیکن این در پی حقی بود که پروتکلها با مبارزات خونین خود، بهر جامعیه بورژوازی تحمل کرد نبود. با این وجود، این پایان کار نیز نبود. در زمانهایی که بحران جامعه سرمایه داری را فرا می گرفت، بورژوازی برای سرشکن کردن با بحران بردن کارگران، تلاش میکرد امتیازاتی را که قبلاً کارگران در اثر مبارزات پیگیر از صفحه ۱۷

سیر تحولات

پنجاه صفحه را نیز میکند . سیاسی صلاحهایشان

در چنین شرایطی بقول لنین : هر کس که صاد فاعلاقه به سر نوشت جنبش آزاد سازی در کشور صاد ارد نمیتواند که در درجه اول علاقمند به جنبش طبقه کارگرمانیاشد . سالهای جهش ، سالهای ضد انقلاب ، و برای تمام شکها ، نشان داد که طبقه کارگر در جلوتام نیروهای آزاد گام بر میدارد (تجربه می آموزد) . بر این اساس ، تحت شرایطی که چشم آند از اعتصاب عمومی سیاسی پیش روی ما گسترده است ، روشن است که هدف از بررسی مسائل اعتصاب بطور کلی ، و بررسی سیر تحولات مبارزات کارگران ، بطور اخص در این مقاله ، صرفاً نمیتواند یک آشنائی ساده و بیاتشیت وقایع گذشته باشد . هدف از این بررسی ها ، آموزش از - تحارب پربار مبارزات کارگران و به سه کارگیری آنها در عمل مبارزاتی است .

بررسی سیر تحولات مبارزات کارگری و آشنائی که کارگران در مراحل مختلف توسعه سرمایه داری بنا کرده اند ، به سه پیشرو کارگری دیگر میکند که در باید بسا آد امین مشیر خواستها و با کد امین شکل از مبارزه ، در هر شرایط مشخص کارگران مهر خود را بر انقلاب میکوبند و جهت سبب رهبری بلا منازع خود بهر انقلاب به پیش میروند . و هر کس ، با یکار بردن کد امین از اشکال مبارزه و مشیر خواستها ، تحت رهبری بورژوازی قرار گرفته و به گوشت دم توپ طبقه حاکم بدل خواهند شد ؟ بعنوان مثال ، در یک مرحله از اوچ گیری مبارزات توده ها در سال ۷۰ ، کارگران صنعت نفت نشان دادند که چگونه طبقه کارگر قادر است ، مهر خود را بر انقلاب بکوبد . سازشکاران ، خشکین از اوچ گیری مبارزات کارگری مستقل از خواست ر مشیران ، با آنها بعد اگر نشستند ، بازگان نمایند (و برای استقرار عاصت امام در کارخانه ها) ، این ماوریت را بعهد گرفت . ولی کارگران با هوکردن او ، جواب سازشکاران را دادند و دست رد بر سینه آنها زدند . نفتگران قهرمان سازشکاران را از بلندی پای رهبران انقلاب به دلگهای انقلاب بدل کردند . و ماهیت واقعی آنها را نشان دادند ، برده با بهام و اوها می را که رهبران بعنوان یک خلقه دفاعی بد و رخورد کشید ، بود نند ، دریدند و چهره واقعی آنها را عیان کردند . این یک نمونه موفق از بکار گیری شکل مناسب مبارزاتی است . اما

این نمونه و نمونه های مشابه نمیتوانست کل جنبش را در رهبری . رهبری خرد بورژوازی - بورژوازی جنبش بر قدرت سیاسی مسلط شد و سرکوب کارگران برداخت و انقلاب در نیمه راه متوقف ماند .

اکنون برای قطعیت بخشیدن بهر امر انقلاب ، باید اشکال مبارزاتیسی طبقه کارگر را مورد بررسی قرار داد ، آنها را تحلیل کرد و از آنها برای نیروی آتی درس آموزی کرد . بدین لحاظ ، نه تنها شناخت جوانب مختلف اعتصاب بعنوان طبیعی ترین شکل مبارزه طبقه کارگر ، بلکه شناخت چگونگی تکوین تاریخی آن ، نیز میتواند پیشرو را برای رساندن تا به بهترین نحوی و اشکال موجود مبارزه کارگران را در جهت برپائی اعتصابات هدایت کند .

در کار ۱۶ گفتیم که تضاد بین خصلت اجتماعی کار و مالکیت خصوصی بر ابزار تولید ، آن زمینه یعنی است که شکل طبیعی مبارزه طبقه کارگر را در نظام سرمایه داری رقم میزند . به عبارت دیگر ، با اجتماعی شدن روز افزون کار و تمرکز سرمایه ، اعتصاب بعنوان شکل متعارف مبارزاتی طبقه کارگر رخ مینماید . اما اعتصاب به یکباره شناخته نشد و متد اول نگردد . اعتصاب ، بعنوان یک شیوه متد اول مبارزاتی ، تنها در مراحل از رشد سرمایه داری و شکل گیری طبقه کارگر و همراه با رجای از آگاهی ، امکان پذیر شد . در ابتدا ، طبقه کارگر ، هنوز در میدان مبارزه طبقاتی آبدیده نشد بود ، آگاهی لازم را کسب نکرده بود و اشکال مبارزاتی اش بر جایگاهش در سازمان اجتماعی کار منطبق نبود . تنها طی یک پروسه مبارزاتی بهر و تلهیا به برپائی اعتصابات واقف گشت ، و از آن پس ، این شکل از مبارزه را در نبرد بر علیه سرمایه داری وسیعاً بکار گرفت .

با اجتماعی شدن کار و تمرکز سرمایه ، فقر اجتماعی روه فزونی نهاد و هر روز افراد بیشتری به صف کارگران ، بصف بی چیزان راند شدند و از سوی دیگر به تعداد کسانی که هیچگونه مالکیتی بر وسائل تولید نداشتند ، اضافه گشت . با سلب مالکیت از تولید کنندگان کوچک ، آنها نیز روانه کارخانه های بزرگی شدند تا برای گذران زندگی به کارگری بپردازند . و سایر تولید به مالکیت تعداد قلیلی از جمعیت در می آمد . اکثریت جامعه نه تنها آتیهای برای خود نمیدیدند ، بلکه برای گذران زندگی روزمره خود میبایست در جامعه هر روز از این کارخانه به آن کارخانه سر

زند ، تا بلکه با فروش تنها چیزی که متعلق به آنها بود و برایشان باقی ماند بود ، یعنی نیروی کار ، زندگی خود را بگذرانند . زمانیکه کار بحد میبایست صبح تا شب کار کنند و زمانی که سرمایه دار به کار آنها احتیاج نداشت به امان خدا رها شوند . سلب مالکیت کنندگان ، یعنی سرمایه داران قادر نبودند که از قاپت موجود بین فروشندگان نیروی کار ، یعنی کارگران استفاد کرد و برای افزایش سود خود هر چه بیشتر بر ارزش نیروی کار ، یعنی مزد ، فشار آورند . با گسترش صنایع طبیعی اینکهر شروت جامعه افزوده میگشت ، ولی وضع زندگی اکثریت - یعنی تولید کنندگان شروت - فلاکت بارتر میشد .

بدین ترتیب بود که نصیان آغاز شد . کارگران برای اینکه قادر باشند از حد اقل زندگی انسانی برخوردار باشند ، چاره آئی نداشتند بجز تغییر وضعیت موجود . آنها هر گامی که در این راه برمیداشتند ، گامی بود علیه منافع بورژوازی . در حقیقت شرایط عینی اجتماعی ، کارگران را به مبارزه فرا میخواند . در هر جا که صنعت رشد میکرد ، مبارزه کارگران نیز همراه آن شروع میشد . انگلس میگوید : شورشهای کارگران بزودی بعد از اولین تکامل صنعتی آغاز گشت (وضعیت طبقه کارگر در انگلیس) .

اولین شکل مبارزه و ابتدائی ترین شکل آن ، قتل و زدی بود . کارگران که میدیدند هر روز ساعتها کار میکنند ، ولی روز بروز ، وضع زندگی آنها بدتر میشود ، در حالیکه سرمایه داران ، از شمره کار آنها هر روز شروتند تر میشوند لذا آغاز زدی کردند و امسوال شروتیتمند آن و پولد آران را میدزدیدند احترام به مالکیت سرمایه دارانه بهر ابزار تولید بعنوان یک حق الهی خد شده آرگردید . این شکل ابتدائی مبارزه هر چند عناصری از آینده و از شرایط موجود را در خود متبلور میسازد لیکن ، بطور عمده ، هنوز علائم بسیاری از گذشته را با خود حمل میکند . امین شکل از مبارزه که ملامت دوران نوین ، یعنی دوران سرمایه داری انطباق نداشت و تنها عنصری را که از امین دوران ، عمدتاً بیان میکرد همانست عدم احترام به مالکیت بر ابزار تولید بود ، که از موقعیت نوین این طبقه در سازمان اجتماعی کار بر من خاست .

مبارزه انفرادی کارگران باقی ماند ، فرهنگ گذشته در شرایط جدید بود . این حالت از مبارزه بیشتر به نصیان یک در هقان بقیه در صفحه ۹

من مانست و در ماندگی و باس را نمایش میکند است. این شکل از مبارزه و ام زیاد نیست نمیتوانست داشت باشد، چه جامعه بورژوازی با تمام قدرت خود علیه این کار شکنی ها در امر گردش سرمایه قد بر آفرشت و حرفی بگفته و تنهار اد ریک مصاف نابر آبر شکست داد. طریقم اینک کارگران، از نظر نقشی که در تولید اجتماعی در راهستند، دیگر بعنوان یک فرد بحساب نیامد و تنها با یک جمع است که میتواند در جامعه نقش تعیین کننده داشته باشند یعنی موجودیت فردی آنها در جامعه به یک موجودیت جمعی و اجتماعی بعنوان کل طبقه وابسته گشته، ولی این حقیقت هنوز در ذهن آنها شکل نیستید. اما در دوران مبارزات و شکستهای کارگران در بیکارتک به یک خود با کار فرما متحمل شدند و آنها را بسوی مقاومت دسته جمعی سوق داد. اگر چه در این دوران هنوز هنوز عصبانیهای جمعی آنها بیشتر از در ماندگی و باس سرچشمه میگرفت. کارگران ایمان در برین راه خلیل ناپذیر بودن انتظاماتی که آنها را تحت فشار قرار میداد از دست میدادند و فرقه رفته لزوم مقاومت دسته جمعی را. نبحوا هم بگویم درک میکردند، ولی حس میکردند وجد از فرمانبرداری غلامانه در مقابل روسا سر به چسبی مینمودند. ولی مع الوصف این مراتب بیشتر جنبه ابراز باس و انتقام داشت تا مبارزه (لنین چه باید کرد)

کارگران به لزوم مقاومت دسته جمعی واقف گشتند، اما این هنوز یک مقاومت دسته جمعی بر مبنای شرایط نوین تولید نبود. مقاومت آنها جنبه منفی دستاورد های سرمایه داری را در خود داشت، لیکن نه با هدفی روبه پیش، بلکه از روی باس و استیصال. آنها عامل اد بار خود را وجود ماشین آلات پشرفته دانسته به تخریب ماشین ها پرداختند. انگیزه در این باره میگوید: «همشابه یک طبقه، کارگران اولین بار، مخالفت خود را علیه بورژوازی وقتی که در مقابل طرح ماشینهای صنعتی، در او اعسل در در صنعتی، مقاومت میکردند، متبلور کردند (وضعیت طبقه کارگر در انگلیس). در قرن هفدهم، در اروپا، شورشهای کارگران علیه نخستین ماشینهای صنعتی آغاز شده بود. در سال ۱۷۵۸، کارگران انگلیس نخستین ماشینهای پشم ریزی را در هم شکستند. کارگران اولین مخترعین مانند آرك رايت و دیگران را مورد ایذا و اذیت قرار دادند و ماشینهای اختراعی آنها را خرید کردند. در نیمه دوم ژوئن ۱۸۴۴، کارگران نساچی در برلین گوشه ناپذیر کردن ماشینها

سپوزنحوالات . . .

بقیه از صفحه ۸

پرداختند که به خیزشهایی در همین زمینه در تعدادی دیگر از کارخانه های منطقه صنعتی پوهامیا انجام میدهد و تا ما بوسیله سر بازان حکومتی سرکوب شد. حکومت های بورژوازی به مقابله با این شیوه مبارزاتی کارگران پرداختند و قوانینی را برای امداد تخریب گنده گان ماشین آلات بتصویب رساندند. سرانجام با این شیوه مبارزاتی، پایداری کارگران در هم شکست.

اگر چه مقاومت کارگران در برابر ماشین قابل درک بود، اما این امر تلاشی بیهود بود. بکارگیری چنین اشکالی از مبارزه بطور غالب مصداق با سطح نازل رشد مناسبات سرمایه داری بود، از هیت ماقبل سرمایه داری. کارگران کاملاً ندانند و هتوز طبقه کارگران نظر ذهنی، تمام و کمال در جایگاه واقعی خود مستقر نشدند. اما تجربه به آنها موخت و همانطور که مارکس در این باره نوشت: کارگران انگلیسی رفتن فتا موختند که بیسن ماشینیسیم و کار بر آن توسط سرمایه داران تمیز قابل شوند و حملات خود را علیه وسایل مادی تولید، بلکه علیه روش استفاده و جامعه از آنها متوجه سازند.

شکل مبارزه میبایست تغییر یابد و تغییر نیز یافت. شکل نوین مبارزه، مبارزات ائتلافی کارگران بود. در این دوره، ایدئولوژیهای بورژوازی که اقتصاد لیبرال یا آزاد بخواد کلاسیک را توجیه و تبلیغ میکردند، چنین اعلام میداشتند که بهترین وسیله تامین مالکیت و رفاهت آزاد برای تعداد به شمار تولید کنندگان است. از اینرو هر گونه ائتلاف و همبستگی را مخل آزادی دانسته و اجتناب لال میکردند که این ائتلاف، آزادی دیگری را بیهند خواهد کشید. در حقیقت آنها آزادی - استثمار و آزادی فروش نیروی کار بدون هیچ رادع و مانعی پشتیبانی میکردند. بنابراین، بدیهی است که ائتلاف کارگران نمیتوانست با مقابله بورژوازی مواجه نشود. بورژوازی ترجیح میداد که با تک تک کارگران سروکار داشته و قرارداد های فردی کار با آنها منعقد نماید، و از این طریق قدرت مطلق سرمایه بر کار را جاودانی سازد. اساس ائتلاف کارگران به این قدرت خدشه وارد ساخته و قدرت آرد وی کار را در مقابل سرمایه تقویت میکرد.



تحت شرایطی که هر گونه تضاد کارگران یک جرم سیاسی و مستحق مجازات بحساب می آمد، بدیهی است که اولین جمعیت های ائتلافی کارگران نمیتوانست ظهور یابد. بنابراین، کارگران بطور مخفی انجمنهایی بوجود آوردند که اعضای آنها فعالیت صوکتند یاد کنند که سرانجام من را حفظ کردند و وقاد ار به آرمانهای انجمن باقی بمانند. این انجمنهای مخفی که دارای خزاندها و دفتر آرد بودند، لیستهای منظمی از اعضا را نگا هداری میکردند. این انجمنها برای مقابله با سرمایه داران، اقتصادهای مختلفی را تدارک میدیدند و کارگرانی که به این اقتصادات نمی پیوستند، خاتمین به طبقه مصرفی میشدند. بدین ترتیب، طبقه کارگر فتر قته به یک نیروی متحد و متشکل در کارخانه ها بدل گشتند و قدرتی صاحبان کارخانه ها را در محدوده ولت کوچک خود شان برزیر سؤال بردند.

این دورانی است از کشاکش حاد بین بورژوازی و کارگران: بورژوازی برای شکستن ائتلاف پرولتاریا، و این یک برای شبیهت و قانونی کردن آن بورژوازی با کمک دستگا ه متنفذان قوانینی بر علیه جمعیت های کارگری گذراند، و کارگران نیز، بطریق مختلف، با تد اوم مبارزه خود برای حق تشکل، قوانینسن بورژوازی را برزیر سؤال کشیدند. و بالاخره در بسیاری از کشورهای اروپایی، پایداری کارگران توانست، حق ائتلاف را قانونی کرد و به این طریق جمعیت های ائتلافی به صند بکا ها و اتحادیه های کارگری بدل گشتند. این اتحادیه ها، که فعالیت آنها روز بروز گسترده تر شد، بعنوان یک قدرت مستقل با کارفرمایان در باره تعیین حقوق و دستمزد، ساعات کار و رفاهت و از گفتگو شده، با قدرتی سرمایه دار میبایست برخورد اختند و برای ارتقا سطح زندگی تود های کارگر، به مبارزه پرداختند. بدین ترتیب، با فقیرتر شدن تود های کارگر که در صورت فقد ان مبارزه طبقاتی، گرایش طبیعی نظام سرمایه داری بشمار می آید، به مقابله بر خاصتند.

کارگران از طریق تجربه دریافته اند که مجازات مقاومت دسته جمعی و ایجاد تشکیلات خاص خود که بتواند ضایع آنان را در جامعه سرمایه داری و حفاظت کند، راه حلی نخواهند بود. از همین روست که مارکس میگوید: صنعت در مقامی بزرگ، گروهی از مردم را که با یکدیگر بیگانه هستند در یک محصل مجتمع میکند. رقابت منافع این گروه را تقسیم میکند. اما باقی صزو ها این نفع مشترک که آنها را بر آرد کفرمای خود دارند، آنها را در آند به شمشترک

۳ خلاق در نظم سازمان در روزهم نیز از آنها حمایت بعمل می آید . رژیم بدبختی میخواستد سرمایه داران بفهماند که نه تنها فایز تگری و استثمار جنبه قانونی دارد بلکه سرکوب بی امان کارگران حق طلب نیز بخش قانونی دارد و کارگران حق در حالت در آره کارخانه اند . اینجاست که تمامی ادعاهای قبلی رژیم در مورد انجمنها و شوراهای قریب به اسلامی نیز برای خوش آمد سرمایه داران بکناری برتاب میشوند و وجهه مدافعان سرمایه داران در این تمامی تبلیغات نیرنگبازانعمیان و آشکار میگردد . بحران عظیم اقتصادی و گسترش ناراضی بی سابقه بهمانگونه که پس از وقایع ۳۰ خرداد چهره خون آشام رژیم را پشیمان سازد . اکنون در فاع عکس و آشکارویی رود - با بستی از نظام غارتگرانه سرمایه داری و سرمایه داران الزامی ساختار است . اما در عرصه کشاورزی نیز لا محاله منور همان تصمیمات راه مالکان اهدا میکنند . پس از مدتها خیمه شیب بازبهای عروسکی برای سرگرم نمودن دهقانان مستمند پدما بعد هسای دروغین مانند بند (ج) وغیره که بارها مزید اعتراض سردمداران رژیم نیستند قرار گرفت اینک رژیم مدافع زمینداران با وسیع قوانینی نظیر آنچه که در عرصه صنایع وضع نمود هاست ، در ضمن خود را با دهقانان زحمتکش عیبنا نمود .

ماده ۴۴ این لایحه چنین میگوید : عوامل تولید در کشاورزی مرکب است از زمین ، کار و وسیله کشت . باز مدتها تقسیم بندی استثمارگرانه سرمایه داری و حتی فنودالی . قریباً فنودالیها با استفاده از این تقسیم بندی ظالمانه میکند خون دهقانان بر داختند تا جای خود را به سرمایه داران صبر دهند . اینک لایحه فعالیت بخش خصوصی نیز بشیوه غارتگران کار را از سایر عوامل تولید جدا ساخته و بدبختی میگوید تا این نوزم را ایجاد نماید که توپا هر یک از عوامل تولید جدا آگاهند مت آمد هو بهای مخصوص بخود را دارد و کار یکی از این عوامل بود و طبعاً دهقانان و تارگران کشاورزی حق چشمداشتی از محصول ندارند . سپس در ماده ۴۷ اضافه میکند : چنانچه مالک بذر در بکارگیری سایر عوامل تولید از شیوه اجاره استفاده نکند تمام محصول از آن وی خواهد بود و هر یک از عوامل : زمین وسیله کشت و نیروی کار تنها استحقاق خود را دارد . . . این عبارت تنها یک عوامفریبی است زیرا کیمت که نماند که در چهارچوب نظام سرمایه داری ، تنها سرمایه داران صاحب ابزار و وسایل تولید و مواد اولیه و غیره همچون بذر ، زمین و وسیله کشت خواهند بود

و کارگران و زحمتکشان هر چه بیشتر امکانات تولیدی خود را از دست داده و ناچار میگردد تنها بصورت کارگر استثمارگرند و بدبختی عوایدی بجز حاصل نیروی کار خود نخواهند داشت . بدبختی کار خود نخواهند داشت . تنها هرگونه ادعای اصلاحات ارضی را از جانب رژیم پشیمان نفی میکند بلکه روابط ظالمانه موجود در روستاها را نیز باقی میماند و بدبختی کارگران و دهقانان زحمتکش و زمینداران بعنوان حامی و قانونگذار زمینداران وارد میدهد آن میگردد . البته در این لایحه قوانین عوامفریبانه فراوان است مثلاً ماده ۴۸ - کارگری که تنها مالک بذر است میتواند با اجاره زمین و وسیله کشت به کار تولید برای خود اقدام کند در این صورت تمام محصول از آن وی خواهد بود و مالک زمین یا وسیله کشت تنها اجرت مقرر را دریافت می نماید . . . به عبارت دیگر حتی اگر دهقان توانایی تهیه بذر را داشته باشند باز میباید حاصل دستریج خود را در اختیار مالکین زمین و وسایل کشت قرار دهند و البته این امر ادامه همان سیاست چندین صد ساله استثمار دهقانان بوسیله زمینداران است و بهار اتیسی همچون کار تولیدی برای خود و تمام محصول از آن وی خواهد بود . . . عوامفریبی را به جهت پوشانیدن ماهیت غارتگرانه اینگونه لایحه است . بدبختی با وضع اینگونه قوانین رژیم میکوشد تا فضای لازم جهت جلب نظر سرمایه داران به سرمایه داری و کسب حمایت کامل آنان را فراهم آورد تا مگر قدری از بازار فشار بحران و رشد ناراضی بکاهد . لایحه حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی را در اصل باید آخرین کلام در حمایت از روابط ظالمانه سرمایه داری در قسمت هر چند این لایحه هنوز در مجلس مطرح نگردید هاست و احتمالاً در ارد سردمداران مجلس نشین بدلیل حمایت عربان و هلنی آن از سرمایه داران تفهیراتی در آن را به منظور پوشانیدن چهره خویش لازم شمارند .

اما سرمایه داران و زمینداران از هم اکنون علیرغم اظهار شغف فراوان ، با بی اعتمادی به اینگونه لایحه میگردند زیرا آنها میدانند آنچه امنیت انسان را برهم زد هتد قوانین رژیم حاکم بلکه مبارزه تود هتد زحمتکش برای احقاق حقوق خویش بود هاست و همین مبارزه است که آنرا نمیتوان در چهارچوب قانون و لایحه محدود ساخت و به الاخره دست عدالتخواه تود هتد کارگران آنها را خواهد گرفت . اما نیروهای پیشرو موظفند ماهیت اینگونه لایحه رژیم حامی آنان را نند تود هتد آنها انشا سازند و نشان دهند که چگونه سردمداران رژیم علیرغم تکلیفات گوناگون در عمل و واقعاً حامی سرمایه

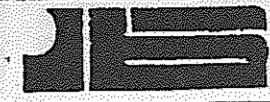
یادداشت‌های

بقیه از صفحه ۱۸

سازمان غارتگر در مقابل تود هسای صبروم هستند . رژیم جمهوری اسلامی که بدبختی سرکوب و وحشیانه تود هسای زحمتکش و نیروهای انقلابی مدافع آنان تصور میکند توانسته است نظم و امنیت کافی برای سرمایه داری و بشیوه ای سرمایه دارانه بحران اقتصادی و سیاسی موجود علیه کند هر روز لایحه جدیدی در حمایت از سرمایه داران و زمینداران تدوین کرده و تلاش میکند با قانونی ساختن منافع استثمارگرانه مشتق سرمایه داران زمیندار ، آنان راه حمایت آشکار خود مطمئن سازد لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی که هم اینک از سوی شورای اقتصاد و دولت مورد تصویب قرار گرفته و تنها مرحله گذار از مجلس را طی میکند از جمله این موارد است . گرچه رژیم آنقدر در میان تود هسای سردمدار بی ابروست که تود هسای دیگر طرح چنین لویحی را از جانب رژیم امری بدبختی تصور میکنند و تقاب سردمداران سرمایه داران رژیم که خود را حامی مستضعفان جامعه میداند و بی آنچنان در پید هاست که تود هسای سواستحقان آنان نیست اما برای هر چه آشکارتر گشتن موارد مشخص این لایحه لازم است اشاراتی به آن نمائیم .

در ماده ۳ این لایحه آمده است عوامل تولید صنعت بشر عبارتند از : ۱- نیروی انسانی ۲- ابزار تولید ۳- مواد اولیه ۴- زمین و کاسیما . ساختن میبینیم که چگونه نیروی کار کارگران و زحمتکشان در حد مواد اولیه و ابزار تولید تیرل میباید و هتد میباید اضافه میشود نیروی انسانی کارگر تنها استحقاق دریافت اجرت نقدی یا جنمی بر طبق قرارداد منعقد ه را دارد و رسود وزیران محصول و اجرت تولیدی سهمی نخواهد داشت .

چهره گریه استثمارگران و مناسبات غارتگرانه سرمایه داری خود را نشان میدهد . البته در این بند قید شده هتد چنانچه جناب سرمایه دار سرمایه ی تولید بیشتر و افزایش بهره د هسای کار صلاح بداند که کارگر را در رسود حاصل از تولید سهم کند باید در قرارداد قید شود (ماده ۳) گرچه حتی اگر چنین امری در قرارداد قید شود از آنجا که کارگران کثرتی به میزان فروش ندارند سرمایه دار میتواند اساساً منکر هرگونه رسود شود در تمبر همین ماد هتد گفته میشود تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی



و از این لحاظ خطری برای ما
و نداند. برای من و از زمانیکه
م. سرکوب نیروهای انقلابی و
نیست میبرد از دنا و تا پایان رسالت
د در این زمینه، از جانب
ر با همستند و محدود مای حمایت
وود و قرار آدهائی منعقد
رد. اما این قرار آدها همچنان
تقیم به علت عدم ثبات رژیم و نیز
که رژیم نمیتواند شرایط کرد ثر-
ما بهیچوقت را تامین نماید، محدود
قتی است و لذت نمیتواند کمکی در
بت تعدیل بحران اقتصادی بنماید.
ضکل لا ینحل بعدی که حکومت را
خمسفاند اختیاست، برپسند ن
ها از رژیم و افزایش حرکتیهای
راضی. آنان است. فرمان سر آن
رد که آتش خشم توده ها را خاموش
رد. سیاستهای قرون وسطائی و
گورانه حکومت که توده ها را به
بت فرامیخواند، نه تنها هیچ
مادی را به رژیم باقی نگذاشته، که
تب را هم بزیر سؤال برد ماست.
د را بتدای سرکوب عربان و وحشیانه
ه ها موقتا با خاموشی گرائیدند و
د اعتبار خود را نسبت به حکومت از
بت دادند، اما، بتدریج کسه
ف حاصله از سرکوب (در عین تداوم
کوب) رو به سردی و خاموشی نهاد
کتبای اعتراضی گسترش یافت.
د از جمعیت در نماز جمعه ها
د ت گاهش یافت، راهپیمائی ۱۳
ن با تحریم اعلام نشد مردم رو برو
، صاحب به محیط صوت و گوری
یل گشت که جز در مواقع توزیع
ن خوار بار از حیات فعال در آن
ری نیست. از سوی دیگر، مردم
ریج مستقیما در مقابل اعمال رژیم
سپاه، کمیته، بسیج و... قرار
تند. صف ها به محلی از تسخیر و
راض تبدیل گشت. حرکتیهای
تقیم اعتراضی کارگران و توده های
متکثر در مقابل اعمال سرکوبگر
م - در اینجا و آنجا - رو به افزایش
ار. رژیم بی آبرو و حیثیت باخته،
گر با تنها سلاح مبارزات سیاسی اش
سرکوب عربان - نمیتواند توده ها
تکلیف وادارد. با سر نیزه هر
ی میتوان کرد. جز نشستن بر
رژیم با بگریه و بند های بی ضابطه،
نه کردی، انباشتن زند آنها از صد
ارزند اتی سیاسی، اعدام نزدیک
ست هزار نفر، قصد داشت، یک
برای همیشه، به حیات سازمانهای
ای و کمونیست و هر جمع مخالفی
تعدیل دهد. و اگر چه ضرباتی بر آنها
شد. و در بسیاری از مواقع ضربات
ی نیز بود. لیکن نتوانست آنها

توده ها . . .

بقیه از صفحه ۲

را کلا از صحنه مبارزاتی حذف کند.
در عوض، اما، توده های که تحت
فشار فقر اقتصادی و سیاستهای ضد
بشری و سرعت از حکومت جبهه
میخندند، مستقیم و غیر مستقیم به
حمایت (اگر چه عمدتاً هنوز حمایت
صنوی) از نیروهای مخالف رژیم
بر می خاستند. فرمان تصد آن در اردک
توده ها را به سمت حکومت و باره باز
خواند و نیروهای مخالف (در حلقه
اول و اساسا نیروهای انقلابی و کمونیست)
را منزوی ساخته و به سرکوب آنها
ادامه دهد.

پس از صد روز فرمان، سران قوم
هر این خود را از ناامیدی مردم نسبت
به حکومت و احتمال خیزش آنها پنهان
نداشتند. پیام امید ی را در دل
مردم زند کرده است. . . . جبهه
بموقع و لازم بود، جبهه و موقع
بمورد بود، مردم از ناامیدوار شدند،
لازم بود که بهیچ اطمینان بخش و
آرامبخش برای مردم داخل کشور از
سوی امام صادر شود، مسئولین
کم کم زیر سؤال رفته بودند و تنگ
نظریهای که بعد از اعمال میگردد
موجب شد بود که سرعت در وستان
نسبی انقلاب و احیاناً افراد بی تفاوتی
که میشد آنها را در وقت انقلاب کرد
بسرعت بصورتی ضد انقلاب و جرگه آنها
صوق میداد. اما در این مورد نیز
رژیم راهپیمائی نمیداد، چه برسدن
توده ها و رو بروی آنها با حکومت،
امری است که از ماهیت ارتجاعی و عقب
ماند رژیم نشات میگردد، و سیاستهای
قرون وسطائی و اعمال سرکوب جز
ذاتی حکومت مذ هبی است.

بالاخره مشکل مهم رو به انفجار
د بگری که به صد روز فرمان منجر شد
تداوم رو به رشد کشاکش بین جناحهای
مختلف حکومتی است. هر روز که
میگذرد، بر زمینه بحران اقتصادی و
نارضایتی رو به طغیان توده ها،
کشاکش بین جناحها حاد تر میشود.
هر جناح برای تشبیه رژیم در جهت
منافع خود، سیاستهای خاص خود
را ارائه میکند. اما هر خورد این
سیاستها در عین حال، بر این اثر
میگذارد. اوج گیری این کشاکش را در
هنگام انتخابات مجلس خبرگان
شاهد بودیم. خمینی در همان زمان
گفت: اگر چنانچه نخواهند این
کشور پیش برود، اختلافات از بین
برود، اختلافاتی که همه میدانیم که

اگر خدای نخواسته پیش بیاید ملت
را به تنهایی خواهد کشید، اگر
اختلافات در سران قوم پیش بیاید
صرایت خواهد کرد و یک وقت مبینیم
که صد صد صدها شهیدند و هر کسی طلبی
میزند (که بهان ۱۳/۹/۶۱).
فرمان یا پیام خمینی رهنمودی است
در جهت گره گشائی از این سمت قدرت
در راستای حرکت آزاد سرمایه، اما
در اینجا نیز از این کشاکش نه با توصیه
و سفارشات قابل حل است و نه بتنا
فرمان.

انتخابات مجلس خبرگان آن -
نقطه ای بود که تزلزل حکومت پیش از
هر زمانی برای سران آشکار شد.
رژیم برای اینکه خود را از تک و تنها
نیاندازد، ادعا کرد که پیش از ۱۸
میلیون نفر در انتخابات شرکت
جسته اند، اما واکنشهای عربان را در
سران حکومت، پس از پیام، نشانگر
عدم شرکت وسیع توده ها در انتخابات
بود. از سوی دیگر، اختلافات عربان
شد و در مورد مجلس خبرگان و مساله
انتخاب رهبر یا شورای رهبری،
خشم انداز اختلافاتی خشن تر را در
آینده ترسیم کرده است. فرمان قصد
آن را در قبل از آنی که اختلافات به
مرحله انفجاری برسد، از آن پیشگیری
کند. در همین رابطه سکوت تعمدی،
سؤال برانگیز و سران کنند و دیگر
مراجع تقلید بویژه کلیان و عربانی
نحقی تا آخرین لحظات، آن -
اولتیماتوم نهائی بود که به رهبر و
خط امام داد شد. بدون تأیید
این مراجع تقلید و مجلس خبرگان بی
اعتبار میشد و رفسنجانی در نماز
جمعه اعلام کرد که برای اینکه علما
د بگریا تحریک کنند گفتند که اینها
یک نفر همین را در صد و شصتند که
بقیه علما را کنار بگذارند، و بدین
علما ی ما در آخرین لحظات با خوشحالی
اعلام میدادند و خودشان هم آمدند
رای دادند. علما را خواستند جدا
بکنند تقریفاً انگیزی نشد و بسیاری از
مراجع مأمول فراوان دارند. فرمان

جواب تشکر آمیز رهبر است نسبت به
همراهی مراجع تقلید که دارای مقلد
فراوان نیز میباشند.

پس از صد روز فرمان، اعتراضات
صریح از زبان سران حکومت در مورد
آنچه که بر ملت رفته بود، آغاز شد.
سابقه ای برای تأیید و پاسگزاری از
رهبر هفته اعلام میدادند و همه
خواستار اجرای فوری امر رهبر گشتند.
گفتند: بعد از آنکه توصیه ها شاهد
نفوذ عناصر صالح و ناظر ظلم و زور
بودن و بهرنج و در دها و شکره های
مردم

بقیه در صفحه ۱۲

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و مکرانیک خلقهای ایران

کم بهاداران بزرگترین فاجعه است. حلوگیری از خلاف شرع و اخلاق، کینه توزی، پرده دری، ناراضی تراشی، نمرود از حق، عصبانیت، هتک حرمت مسلمان و وطنفیه همگان است. برآستی چه کسانی اینگونه اعمال را انجام میدادند؟ گوئی که رژیم جمهوری اسلامی در ۲ آذرماه (صد و فرمان) مرد و سپس از آن، این همان سران جنایتکار نیستند که این چنین بگذشته میتازند. تجسس که فتوای امام بود، غیر شرعی و حرام اعلام میشود. به راستی که هیچ سزائی در اندازه گیری و قاحت اینان بکار نمی آید.

بهر حال، در ابتدا یاد آور شدیم که فرمان برای مقابله با سه مشکلی کسبه تشبیت رژیم را بخواطره افکنده است، صادر شد. اما این فرمان نمیتواند علت هار از زمین ببرد. از ه اکنون، دعوی جناحها بر سر تفصیر فرمان و چگونگی اجرای آن شروع شده است. در حقیقت، همیشه پیامها و فرمانهای خمینی بد نیال وضعیت و موقعیت جناحها مطرح شده، نه اینکه خود بتواند وضعیت و موقعیت جناحها را تعیین کند. یکی از نمایندگان مجلس بطور ضمنی در این رابطه اظهار داشت که "این اولین بار نیست که امام چنین چیزی و خروجی بیجا سرانهای را سر میدهند، و اگر گوش همان نوش ما و ناله همان ناله امام باشد، بقیه آخرین یاد آوری امام نیز نخواهد بود. موسوی اردبیلی نیز در یک مصاحبه تلویزیونی از مشکلاتی که بر سر راه اجرای فرمان وجود دارد و از دیدگاههای متعدد در این باره سخن گفت. وی اظهار داشت که "همیشه خیال میکنند که این پیام مربوط به درگیری است و میخواهند بگران را اصلاح کنند. و این هنوز آغاز ماجراست. پس از فروکش غوغای اولیه، جناحها با تکیه بر فرمان هر یک، میتازند، افرادی راهم اکنون بعنوان اختلاف، اجرای امور خلاف قانون و... دراز کرده اند و کثاکش قدرت دراز کردن افراد بیشتر و بالاتر برای طلب. تسویه حسابها بالا میبرد و جناح دولتی سعی بر ادغام و اضعلال نهادهای تندرو و دست و پاگیر خواهد کرد. این روند از قبل آغاز شد و بود و اکنون زمینه تسریع آن فراهم تر شده است.

رژیم برای مقابله با ورشکستگی اقتصادی و ایجاد امنیت برای گردش سرمایه، باید خود را متراکز کند، پیام در این راستا قرار دارد، اما این امر با کسی محسوس نیست. رژیم برای تشبیت باید به شناختن قدرت خاتمه داده، بحران اقتصاد را مهار کرد و توده های خشمگین را آرام نماید. اما رژیم خود بحران زاست. آنارشی حاکم بر سیستم حکومتی و تسلط سرمایه عقب مانده بر حکومت خود مانع تعدیل بحران

اقتصادی است. رژیم نمیتواند با فرامینی از اینگونه، توده هار احداث کند، زیرا که خود موحد دفع انسان است و بعلت ماهیت ضد مکرراتیک و صد بشری خود مرتباً توده هار را خشمگین و بحالت انفجاری در مقابل خود قسار میدهد. چاره بن بست رژیم، در مرتب رژیم نهفته است.

اعتراف به گناه و اشتباهات گذشته نیز نمیتواند نجات بخش رژیم رویموت باشد. و این همان روشی است که عموماً رژیمهای متزلزل در زمانهای بحران انقلابی پیشه میکنند. هنوز مردم بیاد دارند، زمانی را که رژیم منحوس و پهلوی، برای خنثی کردن مبارزات مردم و به انحراف کشاندن جنبش توده های چگونگی به جزولا به در آمد. در آن زمان نیز فرمانها صادر شده، تشکیلات رستاخیز منحل گردید، روحانی ها، مهدوی ها و نصیری ها قربانی شدند، شاه "صدای انقلاب" را شنید و اعتراض کرد که "اشتباهاتی در گذشته شده است. اما هیچ یک بر خشم و کین توده ها کارگر نیستند. اکنون رژیم، در سران بر سقوط قرار دارد و هنوز باید در انتظار بود که فرمانهای دیگری صادر شود، اعترافات بیشتر انجام یابد، مهره های مهمتری قربانی شوند و... اما رژیم بیهود همدست بر آهن گداخته توده های گوید.

توده هار بر سر خیزند و رژیم از پای می افتد. اما چگونه از پای افتاد سنی؟ جنبش توده ها، بخودی خود و تشنها بر مبنای نفی رژیمی که دیگر نمیتواند آن را تحمل کند، لزوماً چاره ساز نیازیها و مطالبات آنها نمیشاند. اکنون در مقابل سرنگونی محتوم رژیم، نیروهای مختلف اجتماعی صف آرائی کرده اند. در یک سوی، نیروهای ضد انقلابی سلطانت طلب قرار دارند و آن سوی دیگر مکرراتهای انقلابی و سوسیالیستی کونیستها. خشم و کینی که توده ها را در مقابل جمهوری اسلامی قرار داده و بجدی است که توده هار با القوه برای خلاص شدن از این رژیم وحشت و فلاکت میتوانند به حمایت از هر جریان ضد حکومتی روی آورند. و این نکته ای است که وظایف سنیین را در روحله اول بر عهد و کونیستها قرار میدهد. در کار شماره ۵۵، گفتیم که در رابطه با مبارزات او جگر بند توده هار و عنصر بارز چشم میخورد که باید مورد توجه قرار گیرد. خود آنتیخنی مبارزات و عدم حضور بیشتر و انقلابی در آن وجهه بارزی است که بخوبی نتایج خود را در ره هر زکشانید همدن نیروی مبارزاتی توده ها، عدم انسجام کافی جهت تد اوم حرکت، عدم انتقال تجارب مبارزاتی و کسبخته بودن زنجیره تاکتیکی و روشهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان نشان میدهد. اکنون باید در جهت ایجاد کمیته های مخفی

توده ها...

بقیه از صفحه ۱

اعتصاب و کمیته های مقاومت محلی برای برپائی اعتصاب عمومی سیاسی فراروی آن به قیام، فعلاً نمیکوش باید برنامه عمل انقلابی پرولتار را وسیع کرد و میان توده ها تبلیغ و ترویج کنیم و مبارزات آنان را حول برنامه عمل سازمان دهیم. باید فعلاً از بهر زرقتن نیروی مبارزاتی توده ها و به انحراف کشاندن همدن آن توسط نیروهای ضد انقلابی بکوشیم. جویبارهای نوین بد نیال محسوس خروجی قوی هستند و اگر کانالها سوسیالیستی مکرراتیک راهبند انکنند در رون کانالهای غیر سوسیالیستی مکررات خواهند خروشید (کین و وظایف نوین و نیروهای نوین).

بازرگانی

بقیه از صفحه ۱

بمهد و کار فرماست که مالک عین یا صنعت آن واحد است. بدینسان کارگر همچون برد منبر و کارش را میفروشد اما هرگونه اطه نظری در امر تولید، همان تولیدی که خود در آن نقش اساسی در اندازا وسیله شد هاست و هرگونه ارگان کنتسرا توده های آشکار آنقض گردیده است سرمایه دار که مالک الرقاب کارخان محسوب میشود میتواند حتی شوراها فرمایشی و انجمنهای اسلامی را که مشتی مزد و رژیم تشکیل میشوند ملغی سازد.

اماد هر سه کشاورزی نیز این لا بچها مالکان وزمینداران بزرگ آشکار احباب میکنند و دهقانان زحمتکش آشکار امور ستم و استثمار قرار میگیرند گرچه تا کنور نیز عملاً چنین بود هاست اما با اعسلا این لا بچهر کوب کشاورزان زحمتکش شکل قانونی بخود میگیرد.

در ماده ۴۴، این لا بچه آمده است "عوامل تولید کشاورزی مرکب از بذر زمین، کار و وسیله کشت... میهنی که در این قانون نه تنها زمین از آن - دهقانانی که روی آن کار میکنند نمیشاند بلکه حتی بشیوه ای ارتجاعی تر از قانون اصلاحات ارضی شاه به مسئله زمین برخورد شده است. با این ترتیب که دهقان نیروی کارش را میفروشد و به اساس نیروی کارش اجرت میگیرد در تکمیل این بند یعنی بند ۴۷ میخوانیم "چنانچه

خطاب به مبلغین ⑧

می گذاشتند و آزادانه حمل میکردند بعد از شروع دستگیریهای آنها را در رهاکت وسیع کیسه نایلین نهاد حمل میکردند در شرایط فعلی باید آنها را تحت پوششی کامل توجیه شد حمل نمود بهترین نوع آن پنهان کردن اعلامیه در بدن میباشد. مثلا یکی از فقاری بخش کارخانه ۸۰ تراکت را در بدنش جاسازی کرد بود.

۳- آمادگی هسته برای بخش: برای آمادگی شدن برای بخش موارد زیر باید دقیقاً اجرا گردد:

- پاک بنزین بازدید شود و حداقل تا نصف باشد
- در موقع بخش امکان تعقیب وجود دارد و اگر بنزین کم باشد احتمال دستگیری زیاد است - آینه های موتور تنظیم گردند تا حد اکثر استفاده از آنها بعمل آید (وجود آینه جبار نیست) - ترمزها و کلاچها بازدید شود - رفقای تیم جیبهای خود را وارسی کنند که هیچ چیز در آری بهمراه نداشته باشند - کارت موتور حتما همراه رفیق رانند باشد - قبل از بخش مسئول بخش تعیین میگردد (یکی از رفقای تیم) رفیق مسئول مسئولیت تمامی جزئیات بخش و نحوه اجرای آن را بر عهده دارد باید توجه داشته باشد که بخش دقیقاً از روی گروهی انجام شود. در حین بخش به مجرد دیدن موتور مشکوک بخش را متوقف نمایند - انتخاب مسئول بخش برای سرعت در تصمیم گیریهای اضطراری است. از آنجا که رفیق رانند معمولاً بیشتر بر محیط مسلط است عموماً مسئول بخش خواهد بود.

توجه: باید برای حضور در هر نقطه از مسیر توجیه مناسبی داشت تا در صورت بازرسی سطحی بتوان براحتی به مسأله ای چون اسم، آدرس، محل کار، از گجای آبی، پاسخ داد.

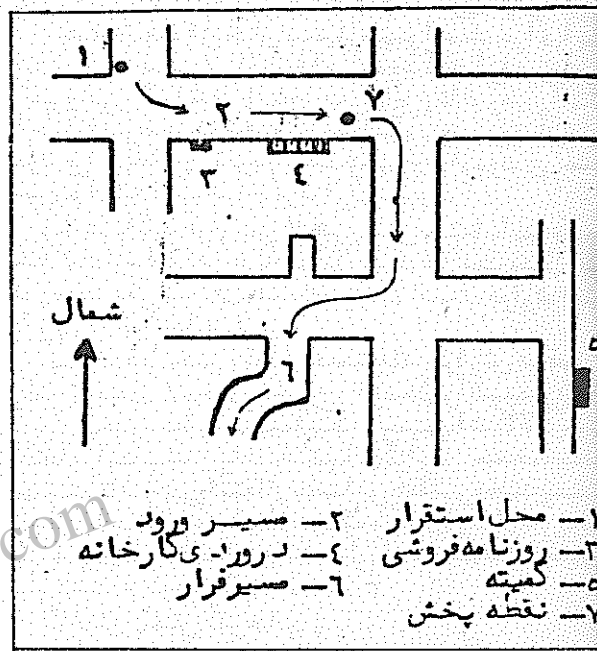
در صورت آمادگی نبودن موارد بالا بخش نباید انجام شود.

مراحل بخش: ۱- رفتن به محل بخش: شیوه رفتن به محل بخش باید بصورتی باشد که خط سر دستگیری را به حداقل برساند. سیر این عمل در شرایط مختلف بعد از قیام بصورت زیر است:

ابتدا هر دو رفیق سهار بر موتور میشوند اعلامیه ها را در وسط خود می گذاشتند و به محل میرفتند. پس از مدتی که افراد را در رخیابان می گشتند اعلامیه ها را رفیق موتوری به محل بخش میبرد و رفیق پیاده پاک به محل بخش میرفت. در حال حاضر که احتمال مشکوک شدن به موتور خیلی بیشتر از پیاده است رفیق موتوری پاک به محل بخش میرود و رفیق پیاده اعلامیه ها را در رخیابان مناسب به محل می آورد. قبل از حرکت رفقا قرار خود را که قبلاً مشخص شده برای هم تکرار میکنند و سپس به محل میروند.

۲- شناسایی نهایی و استقرار در محل: رفیق رانند باید قبل از بخش محل فرار و منطقه را از نظر مسائلی امنیتی چک کامل کند. اهمیت این امر اینست که اگر تغییرات ناگهانی در محل اتفاق افتاد.

به گروهی که توسط یکی از هسته های موتوری تهیه شده توجه کنید:



- ۱- محل استقرار
- ۲- مسیر ورود
- ۳- روزنامه فروشی
- ۴- در ورودی کارخانه
- ۵- کمیته
- ۶- مسیر فرار
- ۷- نقطه بخش

توضیحات: کارگران از ساعت ۳ شروع به بیرون رفتن میکنند. عدد کمی سمت غرب و بقیه سمت شرق میروند عدد های در جلوی روزنامه فروشی جمع شوند. در محل بجز کارگران تقریباً عا بعد یسری است. در محل مفازه بود که در او وجود ندارد. در اعدت تعطیل کارخانه را میند آن کوچک و کم مدتی رچهار راه های و طرف بوجود می آید اما با تور میتوان عبور کرد. جلوی در یک نگهبان مسلح منتظر است اما دید او نسبت به نقطه ۷ کم است و عملیات از دام کارگران قادر به واکنش است. بهترین نقطه برای بخش محل ۷ و بهترین اعدت ۳/۰۵ میباشد.

رفقا باید وقت کنند که پس از تصویب گروهی در هسته و توسط مسئول باید آنها را موعوا اجرا کنند.

۲- بستنید و تا زدن: تا زدن باید بصورتی انجام شود که کمترین جارا اشغال کند و در ضمن در موقع بخش خوب بخش شود و دستهای بر روی بین بریزد. در مورد کارخانه اعلامیه معمولاً تا خورد چون میتوان آنرا خوب به هوا پرتاب کرد و اما اعلامیه های یک تا زده میشود و کنار هم قرار گیرد. بستنید و از اهمیت خاصی برخوردار است اگر بستنید و دقیق نباشد امکان مشکوک شدن و دستگیری قبل از بخش وجود دارد (مثلاً بقی برای بردن اعلامیه به محل آنرا در پاکت و پس در کیسه نایلین نهاد و به موتور آویزان کرده و در وسط راه نایلین پاره شده و اعلامیه ها بزمین ختم میشود. البته رفیق توانست بعد سالم از بیط خارج شود) بستنید و بستنید به شرایط خاص دارد. اگر سیر این عمل را نگاه کنیم، ابتدا در شرایط بعد از قیام اعلامیه ها را در یک ساک

خطاب

بقیه از صفحه ۱۳

متوجه شوند (مثلا کندن یک خیابان که مسیر قرار است... رقیق رانند به هیچوجه نباید به محل پخش زیاد نزدیک شود چون امکان دارد که اهالی منطقه یا نگهبانان کارخانه از روی مشخصات موتور متوجه حضور رقیق در محل شوند. رقیق نباید نیز از نزدیک محل پخش گذشته و صاع را کاملاً حذرت می کند اگر در محل موردی بود که میبایست که رقیق پخش تغییر اساسی نماید پخش قطع میشود (بودن مأموران یا موارد امنیتی کهسبب جانی خود را دارد)

استقرار در محل نیز رعایت مواردی ضروری است؛ بطور کلی این مرحله از پخش بسیار ظریف است و بنا بر کمترین اشتباهی نه تنها پخش بهم می خورد بلکه خطر دستگیری ایجاد میشود. در مورد استقرار شدن باید احتیاط پیش مناسی برای بودن در محل داشت. استقرار متعادل ثابت و بی متحرک باشد. مستقر شدن بصورت متحرک فقط هنگام پخش در سرویس و یا در پری پخشهای متحرک مورد استفاده است. بدینصورت که در مسیری که پخش صورت میگیرد هر دو رقیق جدا از هم حرکت کرده و با هم هماهنگی میگردانند نظریه نزدیک شدن به پس از استقرار شدن رقیق نباید پخش را شروع میکنند. در مستقر شدن بصورت ثابت باید قبلاً در محل پخش جای مناسبی را در نظر داشت و در هر دو رقیق آنرا مشخص کرد هر دو رقیق در محلها پس از استقرارشان انتخاب شده و متوجهیستند مناسب که بتوانند چند دقیقه باشد، می ایستند. رقیق موتور سوار میتواند موتور را خاموش کرده و از آن گین فاصله بگیرد و یا خود را در حال تعمیر آن نشان دهد. معمولاً رقیق نباید نزدیکتر از رقیق سوار به محل پخش قرار بگیرد و سپس با اعلامی که رقیق پیاده میدهد (مقل مرتب کردن موتور) رقیق موتور سوار حرکت کرده و از استقرار میزند و پخش شروع میشود.

۳- پخش پس از استقرار در محل وقتی که رقیق مسئول پخش تشخیص داد که بهترین موقع برای پخش است (حدود این موقع مثلاً با فاصله ۵ دقیقه در هر دو رقیق مشخص است اما زمان دقیق پخش را فقط در محل میتوان تعیین کرد). حرکت کرده رقیق پیاده را سوار میکند، مسیر را طبق کروکی طی میکند و پس از پخش سریع به سرعت از محل خارج میشوند زمان سوار کردن رقیق پیاده تا خروج از محل بیش از حد اکثریت دقیقه طول میکشد. در موقع پخش موتور سوار با سرعت پیش میرود و در مدت در زمانی که رقیق عقبی میخواهد اعلامیه ها را پرتاب کند سرعت خود را کم کرده سپس دوباره سرعت را زیاد میکند. در این زمان باید از اینکه در فاصله پشت خود راز پخش اشتباهی تا در صورت تعقیب توسط ناظرین و یا موتور از محل دور شوند. رقیق عقبی باید توجه داشته باشد که در منطقه ای اعلامیه ها را پخش کند که حد اکثر تجمع وجود دارد. در ضمن طوری آنها را پرتاب کند که حتماً بصورت پراکنده به روی زمین بریزد. زیرا اگر دسته دسته

ریخته شود امکان پاره شدن آنها توسط مزبور وجود دارد.

مراحل بعد از پخش: پس از پخش باید به سرعت از کوچه ها و خیابانهای که قبلاً در کروکی مشخص شده و قبل از پخش مورد بازرسی و باره فر گرفته از محل خارج شد. بعد از اینکه تصفیه ای در خارج از منطقه پخش انجام گرفت و از عدم تعقیب مطمئن شد باید از هم جدا شده و قرار ی برای یک یا دو ساعت بعد در خارج از محیط برای اطمینان سلامت یکدیگر نهاد میشود و رقیق نیز مسئول زد علامت سلامت مقرر برای اطلاع مسئول میگردد. تصفیه بعد از پخش بسیار مهم است برای اینکه عمل باید مسیری انتخاب نمود که دارای زوايا "بیرونی" باشد (پیچ در پیچ) تا در عین اینکه احیاناً در صورت تعقیب بتوانیم زود بزود از تحریر مزدوران خارج شویم بعینت پیچ در بودن مسیر سریع از تعقیب نیز خبردار گردیم.

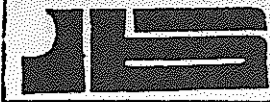
باید تاکید کرد پس از هر پخش حتماً باید علامت سلامت زد شود و در صورت نبود علامت سلامت در معین مقرر مسئول هسته موظف است موارد امنیتی لازم را اجرا نماید.

پس از هر پخش رقیق ایستاده گزارشی در فقیق رفتن به محل، پخش و خروج از محل را تهیه کرده و بروکی پخش مقایسه مینمایند. سپس اشکالات انتقادات پخش را در انتهای گزارش جمع بندی میکنند تا در عین انتقال به سایر رقیق جمع بندی بعد از استفاده نمایند. به نفعتهای از گزارش پخش در جلوی کارخانه که توسط یکی از هسته های موتور تهیه شده توجه کنید.

گزارش پخش کارخانه...
روز... محل... نوع اعلامیه...

ساعت ۳ / ۰۳ باید در محل حاضر میشدیم. فاصله اعلامیه ها را در یک نایلی که داخل آن لبا... بود گذاشت و پیاده هوا اتومبوس به محل رفت. با موتور به محل رفته ساعت ۳ / ۰۳ به محل رسیدیم و در دقیقه محل فرار و اطراف کارخانه را با زرسی کردیم. مشکوکی نداشتیم. وقتی به محل استقرار رسیدیم رقیق نیز به محل رسیدیم و مشغول خواندن روزنامه در جلوی کارخانه فروشی بود. کارگران کم...

شروع به بیرون آمدن کردیم بود. در این موقع علت خروج سرویسهای کارخانه ترافیک کمی در سر چهارراه شرقی بوجود آمد. بود. یک دست کارگر خندید... انفریون آمد شروع به دور شدن کردیم در همین زمان من حرکت کردیم به رفی رسیدیم او منتظر بود و سوار شد از جلوی درب کارخانه گذشتیم. نگهبان جلوی درب ایستاد بود و با کارگری صحبت میکرد. حد و حد بیست متر از جلوی کارخانه دور شدیم و من به رفی گفتم حالا رفیق که من از گشتن از جلوی در شروع به بیرون آوردن اعلامیه ها از نایلی کردیم بود آنها را به دست تقسیم کردیم و چنان بر روی کارگران پخش کردیم که تعدادی از آنها نیز در خیابان ریختن من پس از اطمینان از تمام شدن اعلامیه ها با سرعت تا سسر چهارراه رفتم سپس بر است پیچیدیم از مسیر منفر خارج شدیم. مساله غیر منتظره ای پیش نیامد پس از تصفیه از هم جدا شدیم.



کار فردی اجیر به این معیار نمیتواند
ضعف و سستی قلمداد شد موزندگی
اجیر در جهت پرداخت افزایش
شروت مستاجر قرار گیرد.

بر این اساس است که مستاجر در
اجاره نامه یا شفاها مدت کار و
شروع کار را بر حقایق ضایع خود نمیتواند
شخص کند. هرگاه اجاره کرد اجیر
را در مدت بی، یعنی جهت عطلی پس
ناچار است از زمین کردن ضعف و
عطلی که متوجه آن عمل میشود. یعنی
از حیث جلدی و چابکی ایشان بجا

کند و سستی در عمل (پیش نویسی
صفحه ۱۹) بدین طریق مدت کار
و نوع کار در قاعده جمعی اسلامی
معنای باید. مدت کار به معنای
استحارهی حد و مرز، از اول آفتاب تا
غروب آن و یا بیشتر از آن بر حسب
مناد اجاره تا زمان هلاکت و شروع
کار یعنی جلدی و چابکی یا کندگی
و سستی، یعنی جان کنده برای
سرعت دادن کار یا حد اکثر توانایی
که در این حد اکثر توانایی همان
هلاکت اجیر است در زرفشار کار.

اگر معیار ضایع طبقه انسان است،
چهار که از کودکان و جوانان نیز
بهر بهره آری شود. عقبه... میتواند
اجیر خاص کرد و زیر امتیاز انسان
از احوال او بشمار نمی رود و مخصوصاً هر
گاه کارگر عادی و معمولی نباشد (پیش
نویسی، صفحه ۱۹) و نیز باید خاطر
نشان ساخت که اجاره ضعیف یا قبول

اجاره متوسط و ولی قهری یا ولی
تعیین شد به رعایت عبطه ضعیف
جانب و صحیح است. در اینجا بحث
بر سر این نیست که کودکان اهل انبیا
بکار گرفته شوند، نمودن بالله امین
سخن حرامی است، بلکه بحث بر سر
این است که چه کسی باید اجاره دهد
تا استثمار و حسیانه کودگان غیر شرعی
نباشد.

موارد قابل بحث در شکل استثمار
که در پیش نویسی انعکاس یافته، بسیار
است، اما همین مقدار کافی است که
چگونگی آنرا روشن نماید. فقط باید
اضافه کنیم که با تمام این امتیازاتی که
به مستاجر برای استثمار اجیران
داد شده، ولی برای اینکه خدا
ناکرده، و هیچ روزهای باقی نمانده
باشد که اجیر از آن در جهت کندگی
و سستی مستفاد نماید، مواد
صفت و سختی را به منظور تسخیر قرار داد
یعنی اخراج راحت وی در هر اجیر
پیش بینی کرد مانند محرور این مواد
تسخیر نمیتوانست بقیه در صفحه ۱۶

قانون

بقیه از صفحه ۳

شرط نکند چنانچه او را به چیزی که
اجرت او قرار داد اجاره دهد باید
زیاد تر نگردد و اگر چیزی بگری اجاره
دهد میتواند زیاد تر بگری...

(توضیح المسائل خمینی، پیش نویسی
صفحه ۲۰). بنا بر این صاحب کار
میتواند اجیران خود را چون برده
منظور چیزی بگری اجاره دهد و مبلغ
بیشتری را از این راه بچسباند آورد. در
پیش نویسی، برای اینکه هیچ تشبه و
گمانی در مورد اختلافات بین عمال
فتاوی انهد در باره اجیر و مستاجر
باقی نماند باشد، از فتاوی متعدد
مراجع تقلید بهره بردار است. مثلاً در
همین زمینه ذکر شده، در صفحات ۲۰
و ۲۱ پیش نویسی از توضیح المسائل
گفتاوی و مرعشی نجفی نیز نقل قبول
شده، که چون همانند هر میباشند از
ذکر تمامی آنها صرف نظر میکنیم، و فقط
خاطر نشان میسازیم که هر نوع اختلاف
و یاد ستیهندی هم که بین مراجع تقلید
وجود داشته باشد، اما در این نوع
موارد، همیشه زبان و خالص و مخلصند.

آنجا که اجیر همانند شیعی بجا
حیوان، فقط در رابطه با منافعه
مستاجر بحساب می آید، بدیهی
است که تشبه در زمان مشخص اجاره
(مثلاً ۱ یا ۲ و یا هر چند ساعت که
در اجاره قید شده)، بلکه خارج از آن
هم بگونه ای در خدمت مستاجر قرار
دارد، یعنی زندگی و رفاه کارفرما
رقم میزند. وی نمیتواند به گونه ای زندگی
کند (و یا در حقیقت مرگ تدریجی
طاعت فرسار بگذراند) که در روز
بعد بهره می آید که استه شده باشد.
اجیر اگر برای مدتی تمام ضایع خود
را بگری بگری و آنگاه کند، نمیتواند در آن
مدت برای خود بگری... کاری
انجام دهد مگر کارهایی که منافی با آن
اجاره نباشد... همچنین اگر از اول
آفتاب تا غروب آن برای انجام عملی

اجیر شده میتواند شب را برای خود بجا
در بگری کار کند مگر اینکه کارهای شب بجا
مشغله روزانه موجب ضعف و سستی
گردد (پیش نویسی، صفحه ۲۴). اصلاً
معیار صحتش این ضعف و سستی
حیست؟ جواب روشن است، حرص و
ولع کارفرما برای استثمار هر چه شد بد
ستر و وحشیانه تر، و بدین ترتیب هر

تا هلاک. هرگاه بکسرد
بر روی کارهای او عطلی بکند و بعد
رفتن هلاک شود، خاص نیست
احواض ضعیف باشد، خواه بکسرد
اما آزاد باشد و خواه بند (به نقل
سراج الاسلام، محقق حلی: پیش
نویسی، صفحه ۱۹). هلاک شدن
برای جمهوری اسلامی فقط تا
بامطرح است که ساله سود و زبان
فرما مورد نظر باشد. به عبارت
محدود توضیح المسائل در باره
هلاک شدن اجیر نفع کارفرما
ت. هرگاه کسی را اجیر کند که در
بار هیزم از صحرای او بیاید پس
نکته پنج خروار آورد، اجیر مرد...
بار نسبت به ماضی صحیح است و
باقی باطل میشود و مستاجر
تحقق استرداد وجه اجاره میشود
بیت به باقی عمل ماند (جامع

نجات، پیش نویسی، صفحه ۳۸).
جمهوری اسلامی مهم نیست که
گردد زیر بار کار طاقت فرمائی که از
فکار فرما به وی تحمیل شده، به مجرد
نابد مهم نیست، نه تنها هیچ
نوعی به وی تعلق نمیگردد (چرا که او
لا احق ندارد) بلکه کارفرما
تحقق است که وجه اجاره را در
در باقی ماند، طلب کند.

خمینی در توضیح المسائل خود
بمن موصوع را مطرح میکند، مضافاً
اینکه بهره داری راهم به نفع
فرما شرعی میسازد. اگر اجاره
کنیزی را و تلف شود پیش از قبضه
طلن میشود اجاره و همچنین است
که اگر تلف شود بعد از قبضه
فاصله. اما اگر بگذرد بعضی از
ت و بعد از آن تلف شود یا فسق
در اجاره، صحیح است آن مدت
شته و باطل است در باقی و بر میگردد

اجرت بقدر زمانی که باقی مانده
ت (پیش نویسی، صفحه ۱۹).
ناله چنان آشکار است که جای هیچ
سری باقی نمی ماند.
وقتی مقام انسان چنین نیست
آنته شود، و فقط عمل او در رابطه
نفعی که به کارفرما میرسد، مطرح
شد، لا جرم اجیر چون هر شیعی
باید برای ارضای نفع پرستی کارفرما
بیت بدست شود. معیار بهره
س اجیر برای طبقه انسان
ت. اگر اجیر با انسان شرط کند
قط برای خود انسان کار کند،
شود آورده بگری اجاره داد و اگر

پیش نویسوی تشکیلی حزب طبقه کارگر

حزب رزاستی مضمون استخدا م که تاکنون بهمان کردیم باشد این چنین نیز هست . یعنی سلاک منحرف فسخ ، همانا ساله صود و زبان کار فرما است و لا غیر .

آنچه را که تاکنون گفته ایم خلاصه کنیم : بر طبق اجاره نامه ای (و یا شفاها) ، اجیر به زیر سلطه ی قید و شرط "ستاجر" رسمی آید ، کساعات کار بر حسب عقد اجاره مشخص میشود ، مثلا (۱۲ ، ۱۴ ، ۱۶) و یا هر چند ساعت که امکان داشته باشد ، در این مورد هیچ ضابطه ای برای حداکثر ساعات کار نمیتواند "ستاجر" را مقید کند . در طی ساعاتی هم که "اجیر" در خدمت مستقیم "ستاجر" نیست ، نحوه زندگی او باید بصورتی باشد که در حلقه ی و جابگی "و تاشیری نگذارند . به عبارت دیگر ، ۲۴ ساعت زندگی "اجیر" در خدمت "ستاجر" است . و این یک میتواند "اجیر" را همانند پرندگان بد بگری نیز اجاره دهد . "ستاجر" در مورد هلاک شدن "اجیر" نیز فشار کار رضامندی که ندارد ، هیچ بلکه حتی مجاز به هر گرفتن آن مقدار "اجیر" است که در اثر هلاک شدن "اجیر" باقی مانده است . مثلا اگر "اجیر" برای ۴ ساعات اجاره شده باشد و بعد از ۲ ساعت "اجیر" هلاک شود ، "ستاجر" وجه مربوط به ۲ ساعت باقی مانده را پس بگیرد . شرایط کار هیچ قانون اجتماعی مشخص نمیکند ، بلکه بستگی به هر اجاره خاص دارد . و بالاخره اینکه این نوع استثمار وحشیانه از طبیعت غیر انسانیست ، "ستاجران" و "غرفران" را هم در بر میگیرد . این چنین است پیش حکومت "مستضعفان" در مورد "مستضعفان" و توجه نبود این مقدار مزد بحسب قرارداد رفت ، بخشی از پیش نویس بر او شامل میشود و ماهی هوز به وارد در ایران چون دستمزدها ، پندهای اجتماعی و . . . ضرر و احتیاجیم . حتی مقایسه ای اجمالی از پیش نویس قانون کار (در همین محدوده های که آنرا بر روی کردیم) با قانون کار فعلی (قانون کار شاهنشاهی) ارتجاع نشده در سیاستهای حکومت را در مورد مسائل کارگری و اجتماعی عربستان میکند . چند مورد از قانون کار فعلی : ساعات کار در ساعت در روزه ۴۸ ساعت در هفته ، نصف وقت مساوی آموزی جز ساعات کار محسوب شده و یا به عنوان کار اضافی منظور میشود . کارفرما را اسامیترا باید ساعات کار را در بعضی روزهای هفته کمتر از ۴ ساعت و در آبروزها اضافه نماید بشرط آنکه از ۴ ساعت در روزه ۴۸ ساعت در هفته تجاوز نکند . برای هر ساعت کار اضافی باید ۳۰٪ اضافه بر مزد پرداخت کرد . سن قانونی کار ۱۲ سال است ، کار اضافی برای کارگر

کمتر از ۱۶ سال ممنوع است ، رجوع کارهای سخت و زیان آور و کار شب بیه کار که کمتر از ۱۸ سال ممنوع است . آنچه که در قانون کار فعلی هست ، بسیار عقب ماند و تراز خواسته های است که کارگران از قبل از قیام تا بحال آنرا مطالبه کرده و برای آن مبارزه کرده اند . کارگران با صابرات خود و ارائه مطالبات خود ، عمل نشان دادند و مانند که قانون کار فعلی نمیتواند متناسب با سطح رشد و خواسته های آنان باشد ، و از این لحاظ این قانون فعلی ارتجاعی است و نفی آن در دستور کار مبارزاتی کارگران قرار دارد . اما ، نفی کارگران یک نفی پیش رونده است ، به این معنا که آنها میخواهند قوانینی انقلابی و مترقی را بجای قانون فعلی بنشانند . حال آنکه نفی قانون فعلی کار از سوی رژیم جمهوری اسلامی ، یک نفی ارتجاعی است ، به این معنا ، که رژیم میخواهد آن دستاوردهای از مبارزات کارگران که به جامعه سرمایه داری تحمیل شده بود برگرداند . نهاد های جامعه محسوب میشود را هم نفی کند و بزمانی برگردد که کارگران از هیچ حقوق اجتماعی سر خورند از نبودند .

کارگران ، طی مبارزات تاریخی - جهانی خود بر علیه سرمایه ، دستاوردهای راهم چون حداقل دستمزدها ، حداکثر ساعات کار ، حقوق رفاهی و اجتماعی ، حق اجتماعات ، تشکیل اعتصاب و غیره را بدست آوردند و هر روز حقوق جدید تری را کسب میکنند . این دستاوردها ، پس از تثبیت ، دیگر جزء نهاد های جامعه سرمایه داری شده اند . اما رژیم جمهوری اسلامی ، بخوبی حال خود ، به یک سره ، بر کلیه مبارزات و دستاوردهای تاریخی کارگران خط بطلان میکشد . در این رابطه توکلی میگوید : ما برسیدیم و متوقف شدیم که قوانین اجاره تغییر نکرده است . . . رابطه کار نیز فرقی بین یک نفر با هزار نفر ندارد ، نفی قرارداد و روابط تغییر نمیکند . . . روابط کار از آن وقتی که حضرت علی برای یک پیروی کار میکرد و اجسرت میرفت با کارگری که الان در ایران - ناسیونال کار میکند در ماهیت تغییری نکرده است ، فقط وسعت پیدا کرده است (کیهان ۱/۱۰/۶۱) . حکومت "مستضعفان" برای بیان افکار ارتجاعی خود و برای اینکه "اجیر" به اجیر بودن خود تحت سلطه "ارباب" واقف شده و چون یک حکم الهی نجات بخش بدان تنزد هد ، هر نوع صف بندی طبقات و تضاد شریعت و فتنه را منکر شده و تضاد اسلام و کفر را پیش میکشد . توکلی میگوید : ما این دستمندی ها و تحلیل های طبقاتی را قبول نداریم و احکام الهی نجات بخش هستند ،

قانون

بقیه از صفحه ۱۵

این قانون از منایه اسلامی منطبق بر موازین اسلامی گرفته شده . . . این حرفها که میگویند این قانون بطرفداره از کار فرما است باید بنویسم عناصر مطرح و کار فرماقت اینک یک مرحله دیگر از تحقق مراحل اسلام را ندارند آنها خیلی حرفها میزنند و بنگار که غیبتشان میزنند . رشد اسلام اینست که کار فرما به غیبت آورد (همسان) آری ، پیام این قانون اینست که : آری اجیر ، جان بکن ، بهره ده و بهره جزی این گرفتار است . اما کارگران مقاومت و مبارزات انقلابی خود فسوق جمهوری اسلامی خواهند گوید *

بازداشتنهای

مالك بذر در بکارگیری سایر عوامل تولید از شیوه اجاره استثمار کند تمام محصول از آن وی خواهد بود هر یک از عوامل : زمین ، وسیله کشت نیروی کار تنها استحقاق خود را دارد . . . البته سرمد مداران رژیم سرمایه خالی نبودن عرضه و عوامل فیزیکی مانده که رانیز گنجانده اند که میبویسد کارگری که تنها مالك پذیر است میتواند با اجاره زمین و وسیله کشت بکار تولید برای خود اقدام کند در اینصورت تمام محصول از آن وی خواهد بود . . . این در پراچ غنایات و کرم رژیم است باید گفت که سرمد مداران رژیم از شدت هذیان گشتی به دیار و سرانجام زد هاند آنها برداخت آثاره زمین چیزی جز تحویل محصول تولید شده با پول آن به زمیندار است . و با این ترتیب ماده ۴۸ نیز صما و علنا مالکیت زمینداران را تائید میکند سایر موارد و بند ها و تبصره ها نیز مشخصا بر این غنایات رژیم جمهوری اسلامی در مورد سرمایه داران و زمینداران است اص این لواحق و نظایران حتی اگر بصورت تصویب مجلس نیز برسد کاری از پیش نخواهند برد بجز آن گسترده اقتصادی و تضاد های آشکار و نهان جناحهای مختلف حاکمیت از یک سو و بیاد و نیست همدجانبه کارگران و زمینداران گسسته میروند اشکال متشکل و سازمان یافته باید در بیک جایی برای امنیت سرمایه باقی نماند . تود ها که بیاد نیست ضد خلقی رژیم بخوبی بی برد هاند هر گوا اجاره اجبرای چنین فواید ضد مردمی را بد رژیم و حامیانش نمیدهند و با مبارزات همدجانبه خود آرزوهای طلائی رژیم را به گور خواهند سپرد .



حود بدست آوردند و
 بهایات هم گنبد . در اینجاست
 کیلات کارگری صدی بود در مقابل
 دست اندازی بورژوازی پس
 با زات کسب شد کارگران . هر کجا
 شکلات کارگری در بین کارگران از
 ی و بیشتر خورد اربود و نیز خود
 متحکم نمود نبود ، میتوانست این
 هم بورژوازی را خنثی کرده و بسا
 اقل قسمی از دستاورد هائی را که
 شرایط مساعد اقتصاد یی چندنگ
 نبود ، حفظ نماید . کارگران رفقه فقه
 را این کشاکش ، کارگران رفقه فقه
 بافتند که اگر خود را فقط در مبارزات
 سادی و در خواستهای محصور شده
 حصار کارخانه ها ، محدود نمایند ،
 با زات حاصل از میان ازشان بیاورد
 اهد بود . طبقه کارگر به تجربه
 ذت که مبارزاتش نمیتواند منحصر
 بر او متبازاتی صنفی در محدود
 آنها باشد ، احتمالی شدن کار
 درت صنفی این امر ایجاب کرده
 و تجربیات حاصل از مبارزات
 آگاه ، کارگران را به این زمینه صنفی
 ن گردانید . مبارزات سیاسی طبقه
 را آغاز شد . نهضت جارتیسم
 های از این شکل نوین مبارزاتی طبقه
 گرد رانگستان محصور میشود .
 گران انگلیسی در این دوره ، در صدر
 صنفی ایشان حق رای عمومی ، صنفی
 سان برای همه افراد ، توزیع برابر

حوزه های انتخاباتی ، مصونیت
 پارلمانی ، کوتاه کردن دوره های قانون
 گذاری و غیره عنوان نمودند . انگلیس
 میگوید : جارتیسم شکل یکپارچه
 نشود مخالفت کارگران علیه بورژوازی
 است . در مخالفتها ی اتحادیه ای و
 روبروئی ها ، اپوزیسیون همیشه
 ضرف باقی میماند : بایک کارگرتها
 بود که طبقه سرمایه دار ضرف میکنند و
 یا بخشهایی از کارگران بودند که طبقه
 سرمایه دار ضرف میکنند ، اگر
 مبارزه همگانی میگشت ، بندرت بواسطه
 قصد قبلی کارگران بود . . . ولی در
 جارتیسم ، این کل طبقه کارگر است که
 علیه بورژوازی برمیخیزد و قبل از همه به
 قدرت سیاسی ، به حصار د فاقی قانون
 گذاری که بورژوازی برای حفظ خود به
 در خود کشیده است حمله میبرد .
 (وضعیت طبقه کارگر در انگلیس)
 بدین طریق ، کارگران و طی مبارزات
 خود ، از مراحل ابتدائی مبارزه فردی
 به مبارزات مستقیم سیاسی کشانده
 شدند . طی این پروسه تکاملی ، در هر
 گام ، دستاورد های بسیاری را تثبیت
 کردند : عدم احترام به مالکیت خصوصی
 پروسایل تولید ، لزوم مقاومت در
 حممی ، ایجاد انجمنهای صنفی در
 شرایط اختتاقی ، ضرورت ایجاد
 تشکیلات گسترده کارگری ، لزوم مبارزه
 سیاسی و . . . شناخت از نقش خود در
 سازمان اجتماعی کار . گامی که جنبش

بسیار تحولات . . . بقیه از صفحه ۷
 کارگری طی این مدت بجلو برداشته
 تا آندرجمع عظیم است . . . اعتصابات
 سالهای بود ، تظاهرات ، آگاهی
 راهراتب بیشتر نشان میدهند : در
 این دوره تقاضاهای مشخصی پیش
 کشید میشود ، از پیش لحظه مناسب
 در نظر گرفته میشود ، وقایع و نمونه های
 معروف جاها ی دیگر مورد شور قواری
 میگردد و غیره غیره ، هر گاه مصیبتها
 صرفا قیام مردم ستکس بود ، در عوض
 اعتصابات متوالی نطفه های مبارزه
 طبقاتی بودند ، ولی فقط نطفه های
 آن . این گامی بس عظیم بجلو است
 باید از تمام دستاورد های آن
 محافظت کرد و از تمام وقایع آن درس
 آموزی نمود . اما این پایان راه نیست ،
 چرا که این اعتصابات بخودی خود
 هنوز مبارزه صومالی در مکرانیک نبود
 بلکه مبارزه تدریجی بود ، این
 علامت بیدار شدن خصوصت آشنی
 نایزیدیر کارگران و کارفرمایان بود ، اما
 کارگران در ان موقع به تضاد آشنی
 ناپدیدیری که بین منافع آنان و تمام رژیم
 سیاسی واجتماعی معاصر موجود است
 آگاهی نداشتند و نمیتوانستند
 داشته باشند ، بصیارت دیگر آنها
 آگاهی صومالی در مکرانیک نداشتند
 (لنین ، چه باید کرد) .

ندیش مقاومت . . .
 بقیه از صفحه ۱۸
 چون از ترس صراسیمه
 و وحرات بیرون آمدن از نایگاهها
 شان راند آشتند ، بطرف مقرهای
 پیشروی کرد و با اسلحه مستقیم
 بی جی و نارنجک انداز (بانک
 (روابط عمومی سپاه پاسداران) و
 با شهادت ، دم کوبیدند . در این
 ات قهرمانان که طی آن ساعت
 ربوگان در کنترل پیشمرگان فدائی
 و بیمناسبت چندین روز شهادت
 ل صمکو انجام گرفت ، ۳۰ تن از
 دران رژیم کشته و تعداد زیادی
 ن شدند . پیشمرگان پس از پایان
 ات پیروز شدند آن خود بدون هیچ
 آسیب و تلفاتی بانظم انقلابی
 نشینی کرد و به پایگاههای خود
 شتند .

جنبش انقلابی خلقهای صراسیران و
 جنبش خلق کرد را که قهرمانانسه از
 آزاد فدا میکنند بظهور سازید و در
 این راه تمام تلاش خود را بکار میگیرند
 جنایات این رژیم اگر برای مردم آگاه
 صراسیران غیر مترقبه و شمعنرکننده
 است ، برای خلق ستکس کرد روشن
 است که این جنایات نهاز روی قدرت
 واستحکام رژیم بلکه از ضعف وزسونی
 شاش ناشی میشود . خلقهای صراسیر
 ایران میدانند که سرنگونی این رژیم
 اولین گام در جهت پایان دادن به
 فقر ، صیروزی ، اختتاق و فشیسار
 سیاسی و فرهنگی وطن میباشد .
 پیشمرگان فدائی با این اعتقاد که
 قهر ضد انقلابی رژیم را باید با قهر
 انقلابی پاسخ داد بود در حال و هر
 زمان در جد توان خود ضربات کوبنده ای
 بر پیکر فرتوت سرکوبگران و سزدران
 خمینی جنایتکار وارد نمود هاند . در
 این رابطه ، تن از مزدوران رژیم را که
 در جنایات مختلف شرکت مستقیم
 داشته و علیرغم هشد ارهای بیپایس
 پیشمرگان (که از آنها میخواستند در
 اولین فرصت تسلیم شوند) بجنایات
 خود ادامه داد و سپس از دستگیری
 نیز علیرغم تلاش پیشمرگان ، غیر قابل

اصلاح تشخیص داد میشدند به
 اعدام انقلابی محکوم گردیدند .
 اسامی این مزدوران بفرار زیر است :
 ۱- محمد محمدی فرمانده گروهان ۴
 سپاه پاسداران پایگاه حر - آهین
 مزد و بر طبق اعترافات خود علاوه بر
 شرکت فعال در سرکوب خلق قهرمان
 کرد ، در چندین جوخه اهد انقلابیون
 شرکت مستقیم داشته و نیز در رسدت
 فعالیت خود بچندین نفر از انقلابیون
 تجا و ز نمود است ۲- اصفی
 بد خشان ۳- هدی فتحی ۴-
 محمد رضا فیض آرا . علاوه بر نفراول
 که یکی از عناصر فعال سپاه پاسداران
 بود و از افراد صنفور شهرستان باسل
 میباشد ، سه نفر دیگر نیز فعالانند در
 سرکوب خلق قهرمان کرد شرکت
 مستقیم داشته اند . لازم به تذکر
 است که برای سپاه پاسداران محمد
 علی محمدی به قدری اهمیت داشت
 که چند نقشه فرار برای وی ترتیب داده
 بودند و در صد نبودند توسط
 جاشهای مزدور صنفی به مرحله اجرا
 بگذارند که با هوشیاری پیشمرگان
 قهرمان فدائی خنثی شد .

حق تعیین سرنوشت ، حق مسلم خلقهاست

جنبش مقاومت خلق کرد



شنبه ۷/۱۶ تا دوشنبه ۷/۱۸ - سازمان سرمایه و جانشینان با مراجعه به ده خانواد که فرزندان ایشان پیشمرگ جنبش مقاومت بود و در این راه شهید شده اند رفته ، آنها را به همراه اسباب و وسایلی که از خانه هایشان غارت کرده بودند ، به وسیله زبل های ارتشی به یاران شهر منتقل میکنند . بنا به اطلاع این عدد مرابحالت تبعید بشهر بیم منتقل کرده اند . رژیم مدتی پیش نیز در راستای سیاستهای ضد انقلابی خویش تعدادی از خانواده های مسفر را به فولاد شهر اصفهان تبعید کرده بود . آنها هم اکنون در آنجا همانند زندانی ها هستند و نمیتوانند با کسی صحبت کنند . بهنگام بیرون آمدن از محوطه مسکونت میبایستی با پاسداران خارج شوند و گرنه حق رفتن به جایی را ندارند . یکی از فرزندان مبارز یکی از این خانواده ها اخیراً از دست مروریان رژیم گریخته و به جنبش مقاومت خلق گرد پیوسته است . رژیم قصد دارد تا سیاست تبعید خانواده ها را در پیوندج هم اجرا کرده و در مسقزو بوکان افزایش دهد .

در تاریخ ۶۱/۲/۲۶ ساعت ۷ بعد از ظهر چند دسته پیشمرگان سازمان بهمنام بیت چهلین روز شهادت پیشمرگ قهرمان رفیق سمنو وارد شهر بزرگان شد و قسمت های وسیعی از مناطق مرکزی شهر را به کنترل خود در آوردند و به کمین مزدوران نشستند . آنها همچنین اصرار چند مقرر مزدوران رژیم را به محاصره در آوردند . پیشمرگان قهرمان فدائی ، پس از چند ساعت درگیری با جلاوران رژیم ، سخنرانی و شعار دادن و تبلیغ مواضع انقلابی سازمان برای مردم مبارز شهر بوکان ، چون دشمنان بقیه در صفحه ۱۷

یادداشت های سیاسی



لایحه حدود و شیوه فعالیت بخش خصوصی تضمینی برای سرمایه داران و زمینداران بزرگ

لایحه حدود و شیوه فعالیت تولید بخش خصوصی مصوب شورای عالی اقتصاد و هیئت دولت برده جدیدی از سیاست اقتصادی رژیم در دفاع از سرمایه داران و زمینداران را به نمایش گذارد .

مدتها بود که از گوشه و کنار مسر و صدای سرمایه داران و مالکان پیشکش میرسد که انقلاب موجب از بین رفتن امنیت مالکیت گردیده است . بسیاری از سردمداران رژیم نیز عدم وجود امنیت کافی برای سرمایه داران و زمینداران و کشاورزی را دلیل وضعیت نامساعدان رژیم حاکم قلمداد می نمودند . سرمایه داران از الوصف که سالهاست شیوه جان کارگران و زمینداران این آب و خاک را مکیدند و اندک اندک از مشخص نبودن قوانین کار و حدود و اختیارات کارفرما دم میزدند و در این میان نیز زوری نامه های رژیم هر چند گاه یکبار بر ضرورت ایجاد نظم مناسب سرمایه داران سخن می راندند .

در پیر تعامی این جنجال های تبلیغاتی ، رژیم جمهوری اسلامی به شایع مدافع سرمایه داران و زمینداران با سرکوب و ضرب و شتم توده های زحمتکش که برای بدست آوردن حقوق خود در رشرهای کارگری ، در هفانس کارمند و غیره متشکل شده بودند زمینه غارتگری بیشتر سرمایه داران را فراهم می آورد و اصلاح مدافع نظم کهنه و پیوسته های بود که انقلاب ارکان آنرا متزلزل نمود . اما بعد لیل مبارزات کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان رژیم از میان غنی حمایت خویش از سرمایه داران برهمیزم کرد . این وضعیت نمیتوانست تد اوم یابد زیرا بحران اقتصادی و افزایش نارضایتی توده های مردم رژیم را ناچار می ساخت از یکسو برای کاهش ابعاد انجساری نارضایتی و بحران اقتصاد سرمایه داران را به کمک طلبد و از سوی دیگر با وضع قوانین هر چه ضد خلق تر امنیت سرمایه داران و مالکین را تضمین نماید و بدینسان چهره خویش را به تعامی بعنوان مدافع سرمایه داران

غارتگران عیان سازد . تنظیم لایحه حدود و شیوه فعالیت تولید بخش خصوصی که به تصویب شورای عالی اقتصاد و هیات دولت رسید ، اساساً از جمله این کوششها است . بخش خصوصی عمدتاً همان سرمایه داران و مالکین غارتگری هستند که در بخش و کتبی کارگران ، دهقانان و سایر زحمتکشان را در رساله قوانین کار ظالمانه رژیمهای ضد خلقی به چنگ می کشند . کیست که نداند این کلان ترین سرمایه داران و زمینداران تحت همین عنوان بخش خصوصی فعالیت میکنند و سردمداران رژیم به صریح عبارت در همان پیرکن بخش خصوصی تنها چهره های غارتگران را بزرگ میکنند

در آغاز این لایحه چنین مشاهده میشود : ماده ۳ - عوامل تولید در صنعت بخش زیر است : ۱ - نیروی انسانی ۲ - ابزار تولید ۳ - مواد اولیه ۴ - زمین و تأسیسات ساختنایی بدین ترتیب از همساز است اد قیقا همان فرمولیندی یکبار گرفته میشود که قرنهایست سرمایه داران و اقتصاددانان مدافع آنان بعنوان عوامل تولید برای پنهان کردن خصلت استثمار و روابط ظالمانه سرمایه داری عنوان نموده اند . سپس اضافه میشود "نیروی انسانی کارکنان مستحقاً در ریافت اجرت نقدی یا جنسی بر طبق قرارداد منعقد کرده اند و در سود و زیان یا محصول واحد تولیدی سهیم نخواهد داشت . . . بدینسان غارتگری سرمایه داران مبارز و فانیست است و طبقاً مبارزات کارگران برای افزایش دستمزدها مشروع و ضد قانونی است اما مدافع بی شرمانه از سرمایه داران به هیچجا خائنه نمی یابد . . . تعیین چگونگی مدیریت واحد تولیدی به پدید کارفرما است که مالک زمین یا منبع است آن واحد است . . . بدینگونه این لایحه را باید تضمین همه جانبه ای برای غارتگران برای مقابله با مبارزات کارگران به منظور تشکیل شوراهای کنترل کارگری دانست . سرمایه داران در سایر رساله همین بند همه و هرگونه تعدی بکارگران را تحت عنوان بقیه در صفحه ۱۰